

توازن مورشکستگی رژیم جمهوری اسلامی

سیستم اداری از هم پاشیده و ...
موسوی در این سخنرانی خواست تصویرسری
از وضعیت اقتصادی در آفیساز دوران
"خندنگزاریش" را ارائه دهد، اما در
حقیقت وی وضعیت کنونی جامعه را تصویر
کرده است.

موسوی پس از ترسیم وضعیت اسفبار
اقتصادی بعنوان نقطه آغاز حرکت گامینه،
با وقاحت تمام که خاص سران حکومت
ارتجاع است، از موفقیت های دولت در
فلسه بر آن وضعیت و پیشبرد اقتصاد در
تجاری خود گفتی "و روش" سخن
گفت. وی هر آنچه را که نشانه تداوم
بحران اقتصادی است وارونه کرد و به
عنوان عملکرد موفقیت آمیز عنوان نمود.
او از موفقیت های دولت در افزایش تولید
ناخالص داخلی از کاهش نرخ تورم، تنبلیت
قیمتها و کاهش نقدینگی، از "اصوال
سیاستهای بودجه ای برای افزایش سهم
عایدات غیر نفتی و حرکت در جهت عادلانه
کردن توزیع در آمد به دست مستفین"، از
ایجاد اختلال تولید "افزایش مالیاتها"
از طریق اعمال سیاستهای صحیح" و ...
و بالاخره از کم کردن و حذف بوروکراسی
و تهیه برنامه بلندمدت و میان مدت سخن
گفت.

نخست وزیر در حالی عملکرد اقتصادی
دولت را موفقیت آمیز و رغابت بخشی
توصیف کرد که بحران اقتصادی سراپای
جامعه را در خود فرو برده است. نه
فقط آمارهای رسمی موجود، بلکه سخنان
جسته و گریخته سران حکومت که بنا به
مصلحتهای سیاسی عنوان گردیده، غسود
نمایشگر عمق بحران موجود و از هم
پاشیدگی سیستم اقتصادی است. درحالی
این دوره با مطلع موفقیت آمیز، عملکرد
اقتصادی دولت جز در جهت افزایش تورم،
رکود بیکاری و در جهت توزیع نا عادلانه تر
درآمدها حتی با ملنگهای بورژوازی چپ
دیگری نبوده و نمیتوانست باشد. در تمام
این دوره، درآمدهای بودجه نه تنها
قابلیت تحقق نداشته و از اینرو برکسری
بوده و لذا بر تورم مداوم افزوده
شده، بلکه خط برنامه های بودجه ای نیز
خود تورم را بوده است. در تمام این
دوره هزینه های عمومی دستگاههای
بوروکراتیک - نظامی دولت نه تنها
جهت گیری کاهش یافته، بلکه در جهت

روشن اقتصادی نبوده که خود در جهت
رشد بوروکراسی انگل و ایجاد اشتغال
غیر مولد بوده است. حقیقت آن است
که عدم تحقق درآمدهای ارزی و مالیاتی،
کسر بودجه مستمر، افزایش هزینه های
دستگاههای بوروکراتیک و کلیاً سیاستهای
اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی در جهت
افزایش بلاولفه قیمتها، رکود و بیکاری
سیر نموده است که همگی دال بر تداوم
بحران اقتصادی است.

در چنین شرایط اقتصادی بحث در باره
تعمیل بحران، اعمال سیاستهای اقتصادی
و برنامه های بلندمدت و میان مدت هیچ
معنای ندارد. این درست است که
نمایندگان بخشی از سرمایه که در گامینه
تیز حضور دارند بمنظور حفاظت از حريم
سرمایه و رفع مواضعی که گوشه سر مایه را
مقتل ساخت است، اتخاذ سیاستهای
اقتصادی را ضروری میدانند. سیاستهای
که از آن طریق امنیت سرمایه به جامعه
باز گردانده شود، "پولهای سرگردان" در
امر تولید بکار روند، بر رکود فلسه شده
و نظام سرمایه داری از خطر تلاشی نجات
یابد. اما این سیاستهای اقتصادی در
بستر بحران انقلابی موجود و در تلاقی
با سیاستهای نظامی که از سوی جناحهای
هیات حاکمه به پیش برده می شود بی اثر
و فاقد کار آیی بوده است. اعمال
تمامی سیاستهای اقتصادی از یکسو در
دالانهای تو در تو رژیم جمهوری
اسلامی به محل در آمدی برای غیل عظیم
انگلهای اجتمالی تبدیل شده و از سوی
دیگر بر فقر و فلاکت و سه روزی شده ها
افزوده است. سیاستهای تعدیل بحران،
بدون اینکه توانایی تعدیل بحران را
داشته باشند فقط پولهای سرگردان را
متراکم تر کرده اند. سیاستهای اقتصادی
حالی و پولی طی چهار سال گذشته از تبدیل
سهمه بندی و توزیع کالاها، لغو سببه،
افزایش مالیاتها، توازن رنگارنگ کار
بمنظور تشدید بهره کشی از کارگران،
تشبیه دستمزدها و در واقع با توجه به
نرخ تورم کاهش دستمزدهای واقعی، تنبیس
در سیستم بانکی و استفاده از نرخ بهره
متغیر بجای نرخ بهره ثابت (با اصطلاح
حذف ربا) توانین حفاظت از منابع و ...
همگی قبل از اینکه اهرمهای برای فلسه
بر بحران اقتصادی باشند، اهرمهای
برای کسب در آمد، یعنی سود و چساول
و قارت بوده اند.

رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند دارای
بخش در ص ۱۵

پیشنهادی موسوی از سوی مجلس، عملاً به
معنای بوسمیت شناختن و سازش بر سر تداوم
بحران و خفاندن از سوی جناحهای اصلی
حکومت در زمانی است که هیچکدام قدرت
فلسه بر دستگاه دولتی را نداشته، ریاست
جمهوری خامنه ای، نخست وزیر موسوی و
ترکیب گامینه، بر آنچه سترون قدرت
هیات حاکمه است. ترانزنامه چهار سال
گذشته خود معیار سترونی نه تنها گامینه
بلکه کل حکومت جمهوری اسلامی است.
ترانزنامه چهار سال گذشته، ترانزنامه
تداوم بحران اقتصادی - سیاسی و آزادی
این بحران بوده است. در آنچه نیز
رژیم جمهوری اسلامی و گامینه ای جز اینکه
مجرى تداوم بحران و تشدید آن باشند،
نقش دیگری نمیتواند داشته باشند.
ترانزنامه چهار سال گذشته آنچنان
نفاحت بار بوده است که جز با خسرواری
از الفاظ میان تپی و آمارهای دروغین
حتی از طرف سران حکومت نظیر موسوی، نیز
در مجمع عمومی قابل بیان نیست. بهینیم
موسوی این ترانزنامه را چگونه بیان
میکند.

موسوی به هنگام معرفی اعلاء گامینه ای
به مجلس عملکرد گامینه را در دوره چهار
سال گذشته موفقیت آمیز خواند و مدعی
شد که گامینه وی در شرایط جنگی توانسته
است بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و
سیاسی فائق آید. موسوی زمانه
دستاوردهای مثبت گامینه را بر رخ کشید که
حتی وضعیت و قامت بار اقتصادی طرندین
سال گذشته بارها در همین مجلس مورثیت
و گفتگو بوده است. اما موسوی که
نقش را در ارائه کارنامه های "درخان"
عملگردهای بی نظیر و ترسیم چشم اندازها
مطمن و امید بخش از برنده، طبق معمول
۴ سال گذشته به ایفای نقش پرداخت و با
همان لاف زنی ها، وعده و وعدهها و ابراز
خوش بینی نسبت به آینده به ارائه
ترانزنامه و برنامه های آینده پرداخت.

ترانزنامه ارائه شده از سوی موسوی
چه بود؟ موسوی گفت: "یک دوره چهار
ساله از فعالیت دولت خدمتگزار به پایان
رسیده و در آستانه دوره جدید قرار
داریم. سالیهای از خدمت دولت گذشته
که بر از حدت بود... کشور عملاً در
محاربه اقتصادی قرار داشت، تولید
ناخالص ملی روند منفی را دنبال میکرد.
کارخانه ها فلج و فروش نفت در پایینترین
سطح، نرخ تورم ۲۵٪ بود، کالاهای مورد
نیاز در جامعه کم، وضعیت نفاث غذا
بحرانی، سیاستهای اقتصادی نامشخصی



سازمان انقلاب کمیونسو سوسیالیستی انقلابی پرولتاریای سراسر جهان تورنگ مسکونی



بیش از هر عاملی چشم زحمتگنان جهان ر
بر واقعات موجود گشود و به همین توده های
شتمیده مشاهده کردند که چگونه دهه
میلیون نفر در راه بیروتنند ترک کردن
گروهی از میلیونرها و ماحبان سرمایه در
جهان به کام مرگ درمی غلطند . بحران
اقتصادی و سیاسی تمامی زندگی اجتماعی
را فرا گرفت و تا شیرات هر چند متفاوتی در
کشورهای مختلف بر جای نهاد اما تا شیرات
جنگ بیش از همه در روسیه به رشد جنبش
انقلابی توده ها با ری رساند . روسیه طبقه
ضعیف زنجیر امپریالیسم بود . این بدان
معنی بود که مجموعه عوامل معنی و ذهنی
و جهانی، چنین شرایطی را در روسیه پدید
آورده بود .

انقلاب کبیر اکثر در روسیه یعنی در
کشوری بتووع پیوسته که پرولتاریای این
کشور، بزرگترین و عظیم ترین شهردهای
طبقاتی را طی چند دهه از سرگذرانده بود
و دو انقلاب ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ را پشت سر
شده بود . انقلاب اول زمینه های انقلاب
دوم را پدید آورده بود . مخرافات را از ذهن
میلیونها کارگر زده بود و شور زندگی
سیاسی و مبارزه جوشی را در میان دهها
میلیون کارگر و دهقان روس برانگیخته بود
و سرکوب و وحشیانه انقلاب و سپس دورا را رجاج
استولنیپینی و تشدید شوکری بر طبقه
توده ها ، فر چندین یک عقب نشینی توده ها
توام گشته بود . اما با تجاریسی ارزنده
تجاوز بعدی شکل میگرفت و روسیه دوره
اعتراض نویسی را می پیمود . جنبش
امپریالیستی و شکستهای متعاقب آن ،
پوسیدگی سلطنت تزاری را به برهان ترین
شکل منجلی ساخت و این شکستها تمام ارگان
دستگاه دولتی کهنه و پوسیده ای را که از
درون نیز در حال تلتلی بود ، بیش از پیش
از هم با شانند . بحران دیگر کشورهای
امپریالیستی نیز بر روی اقتصاد دور شکسته
روسیه تا شیرات خود را بر جای نهاد و بر
و غامت زندگی توده های مردم افزود . ابعاد
تاریخاتی های عمومی آنچنان گسترش
یافت که حتی به صفوف ارتش نیز رسوخ
کره و تا فرمانی در صفوف ارتش حاکمیت
متزلزل تزاری را بیش از پیش به لگزه
افکند . هر چند تا شیرات معنی ناشی از جنگ
بر بسیاری از کشورها مشهود بود و موجب
تشدید و ترویج مبارزه طبقاتی پرولتاریا
گردید اما در روسیه هم بدلیل رشد یافتگی
طبقه در صفحه ۱۷

محتوای عصری که آفرانده بود ، عصر
امپریالیسم را عصر انقلابات پرولتاری، عصر
دیکتاتوری پرولتاریا، و عصر گسار
از سرمایه داری به سوسیالیسم نام نهاد و
نقش و رسالت طبقه کارگر را در عصر
بین المللی بمثابة آن طبقه ای که میباشد
تحولات انقلابی را در مقیاس جهانی مفرجام
برساند ، به بارزترین شکلی بیان کرد .
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر ، تا شید
درخشان بود بر صحت تحلیلها و
نتیجه گیریهای آموزگار کبیر پرولتاریا
لنین ، که فرارسیدن عصر جدیدی را اعلام
نموده بود که پرولتاریا میبایستی بسا
برپائی انقلاب پرولتاری و در دست گرفتن
قدرت سیاسی، جامعه نوین سوسیالیستی
را بنا شند .

لنین در برابر تمام اپورتونیستهای
انترناسیونال دوم اعلام کرد که سوزوژواری
بیگ طبقه بگلی ارشاهی و بیگ مانع
اجتماعی - تاریخی تبدیل شده است و عصر
نویسی فرارسیده که پرولتاریا بمثابة
محور انقلابی - تاریخی ، در راه این
دوران قرار گرفته است و نتیجه میگیرد که
همه شرایط برای انقلاب پرولتاری در مقیاس
جهانی فراهم گشته و عصر انقلابات
پرولتاری آغاز شده است . لنین عصر
امپریالیسم را که همانا عصر انقلابات
پرولتاری و عصر گذار از سرمایه داری به
سوسیالیسم است ، عصر تمالی پرولتاریا
و پیروزیهای آن ، عصر از هم پاشیدگی
و سقوط امپریالیسم ، عصر جنگها و انقلابات
و عصر نهادهای شورائی معرفی میگردد . او
محتوای عصر جدید تاریخ جهانی را لیا
سرمایه داری و برقراری تالیوده های نظم
کمونستی اعلام نمود .
با آغاز نخستین جنگ جهانی
امپریالیستی، بحران انقلابی در بسیاری
از کشورهای جهان بروز کرد زیرا که جنگ

شست و هفت سال از روزی که پرولتاریای
روسیه در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ با قیام طبقه
طبقاتی شوکر و ارتجایی ، قدرت را بدست
گرفت پیروی گردید .
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر
برجسته ترین نقطه عطف در سراسر تاریخ
بشریت و مهمترین رویداد در تاریخ مبارزه
طبقاتی شتمیدگان طبقه شتمگسوران و
استشارگران است که بشر عصر نویسی در
رهائی بشریت شتمیده و استشار شده از
بوغ شتم و استشار بود .
انقلاب اکثر در دورانی بتووع پیوست
که سرمایه داری به عالیترین و بالا ترین
مدارج تکامل خود یعنی امپریالیسم رسیده
بود و پیروژواری به یک طبقه بگلیسی
ارتجایی تبدیل شده بود .
امپریالیسم در همین حال که عالیترین
مرحله تکامل سرمایه داری است ، در همان
چال بیانگر دوره گندیگی ، طبقه گیری
و مرحله ای از بحرانها و تلاطمات ذاتی این
دوره از تکامل سرمایه داری نیز هست .
لنین با درک عمیق از ماهیت ارتجایی
امپریالیسم و رسالت تاریخی پرولتاریا
در این عصر در سال ۱۹۱۷ ویژگیهای عصر
جدیدی را که آغاز شده بود بر شمرد و چنین
فرموله کرد که عصر امپریالیسم ، عصر
گندیگی و طبقه گیری سرمایه داری در عرصه
بین المللی است . این عصر با چنین ویژگیهای
جنگهای امپریالیستی را اجتناب ناپذیر
ساخته است و جنگهای امپریالیستی که خود
معمول بحرانهای اقتصادی - اجتماعی
است ، موجب رشد جنبش انقلابی کارگران
در بسیاری نقاط جهان خواهد بود . انقلاب
جهانی دامن خواهد زد و بنا به غلطت
تا پیوزن تکامل اقتصادی و سیاسی ، در
ضعیف ترین طبقه زنجیره امپریالیسم
انقلاب بتووع خواهد پیوست .
از اینرو لنین با درک عمیق از مفهوم و

زنده باد سوسیالیسم

مجاهدین خلق بیوند خود را با ارتجاع منطقه متحکمتر می کنند

مجاهدین خلق که طی چند سال اخیر بسا رعنی شکست انگیز راه خیانت به خلق و پشت کردن به اهداف انقلاب و منافع زوده های مردم ایران را پیموده و آشکارا به دفاع از بورژوازی و نظم ارتجاعی - بوروکراتیک موجود برخاسته اند ، با گذشت روز ماهیت سرتا با ارتجاعی - سیاستهای خود را آشکارتر و عریان تر از همیشه نمایان میگذارند و پیونده خود را با ارتجاع در مقیاس جهانی آشکار می سازند . ملاقات اخیر محمود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق با ملک حسین شاه اردن گنه در اواسط آبان ماه صورت گرفت ، هر چند در این مجموعه سیاستهای این سازمان از امری عادی و طبیعی محسوب می گردد و جزء لاینفک و جدائی ناپذیر سیاست خارجی و مناسبات بین المللی این سازمان است ، اما از این جهت که تجلی همه جانبداری و مناسبات بین المللی این سازمان در انطباق کامل با سیاست داخلی آن محسوب میگردد ، و تلاش مجاهدین خلق را در جهت مستحکم تر نمودن پیوند خود بسا ارتجاع منطقه نشان میدهد ، حائز اهمیت و پیروسی است . مجاهدین خلق در سیاست خارجی می بایستی تا بدانجا پیش روند که بین سیاست کاملاً با سیاست داخلی آنها تطبیق و هم آهنگ باشد ، چراکه اگر از یک دیدگاه علمی سئوال را مورد بررسی قرار دهیم ، سیاست داخلی و خارجی هر دولت و یا سازمان سیاسی دو جزء لاینفک و جدائی ناپذیر محسوب می شوند که در کلیت خود متمسک کننده ماهیت طبقاتی آن سازمان با دولت می باشند . سیاست خارجی بسط و ادامه سیاست داخلی و انعکاس آن در سیاست در عرصه بین المللی و مناسبات با دیگر سازمانها ، دولتها و طبقات محسوب می گردد . از همین روست که یک - ارتجاعها سازمان سیاسی که از منافع یک طبقه انقلابی دفاع می کند و سیاست داخلی آن در راستای بر دفاع از منافع این طبقه می باشد ، در عرصه بین المللی نیز این

سیاست را بسط و ادامه میدهد و مدافع منافع طبقاتی بالنده و انقلابی در مقیاس جهانی می گردد ، اما آن دولت و یا سازمان سیاسی که مدافع منافع یک طبقه ارتجاعی و ضد انقلابی است و سیاست داخلی آن بر دفاع از منافع این طبقه مبتنی است ، در عرصه بین المللی نیز مدافع منافع طبقات ارتجاعی و ضد انقلابی است . این خود توفیح دهنده سیاست خارجی کنونی مجاهدین خلق و بسط و توسعه مناسبات این سازمان با دولتها ، احزاب و سازمانهای ارتجاعی در مقیاس بین المللی است .

مجاهدین خلق نمی توانستند با دولتهای امپریالیست ، سازمانها و احزاب وابسته به انحصارات بین المللی و سرپرده ترین مزدوران امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه امثال شاه اردن نزدیکترین و صمیمانه ترین مناسبات را برقرار کنند ، اگر بخواهند این سیاست خارجی ، یک سیاست داخلی ارتجاعی نبود ، اگر آنها مدافع منافع طبقه سرمایه دار و نظم پوسیده ارتجاعی - بوروکراتیک موجود نمی بودند .

فی المثل هنگامیکه مجاهدین خلق در نخستین مراحل حیات سیاسی خود هنگامیکه هنوز به منجانب لیبرالیسم سقوط نکرده بودند ، با پای بندی به فروروت تحولات انقلابی - دمکراتیک و فدا میریالیستی در ایران ، از منافع زوده ها دفاع می کردند و در سیاست داخلی از یک خط می انقلابی پیروی می نمودند ، سیاست خارجی و مناسبات بین المللی آنها نیز از این خط می تبعیت میکرد . در آن ایام مجاهدین خلق در سیاست داخلی ، خواستار انتقال تمام قدرت بدست خلق ، مخالفت با نهادهای و ارگانهای پوسیده ، کهنه و ارتجاعی همچون ارتش و بوروکراسی و خواستار برافتادن سلطه امپریالیسم از ایران بودند . مجاهدین در آن ایام ترس و وحشتی از سوسیالیسم نداشتند و حتی ابائی نداشتند که خود را مدافع سوسیالیسم معرفی کنند . سازمان مجاهدین خلق در آن ایام متحدین خود را در میان سازمانهای انقلابی ایران جستجو میکرد . ادامه این سیاست در عرصه بین المللی نیز خود را بصورت چابنداری از نیروهای انقلاب جهانی نشان میداد . آنها در پی تحکیم مناسبات خود با دولتها ،

احزاب ، سازمانها ، طبقات و جنبشهای انقلابی بودند ، و خلاصه کلام اینست که در سیاست خارجی نیز همان سیاست داخلی را ادامه میدادند .

اما اکنون که مجاهدین خلق مدعی است بطور کلی از خط می انقلابی روی برتافته اند ، با انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک و فدا میریالیستی در ایران مخالفت برخاسته ، مدافع منافع بورژوازی و پاسدار نظم ارتجاعی - بوروکراتیک شده اند . آنان که اکنون از اینکه قدرت در دست خلق قرار گیرد ، واهمه دارند ، خواستار بر جای ماندن ارتش ، بوروکراسی و دیگر ارگانها و نهادهای کهنه و پوسیده و سنگری هستند و آشکارا و بی پرده با سوسیالیسم و سازمانهای انقلابی و مترقی ایران دشمنی می ورزند ، در عرصه بین المللی نیز سیاستی دیگر را در پیش گرفته و سیاست خارجی آنها بعنوان بسط و ادامه این سیاست داخلی بر اتحاد و همکاری با فدا انقلاب جهانی و دشمنی با نیروهای انقلاب جهانی استوار شده است . سیاست داخلی کنونی مجاهدین خلق نیازمند اتحاد حمایت ، پشتیبانی و همبستگی با دولتهای سازمانها ، احزاب جامع و طبقات فدا انقلابی و ارتجاعی است . از همین روست که مجاهدین خلق طی سه ، چهار سال اخیر گامهای جدی برای تحقق این سیاست به پیش برداشته اند و اکنون با بسیجاری از دولتهای امپریالیست ، سازمانها و احزاب ارتجاعی و فدا انقلابی وابسته به انحصارات بین المللی و رژیمهای مرتجع است - نشانه و وابسته به امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه مناسبات نزدیک و حسته برقرار نموده اند . امروزه نزدیکترین متحدین سازمان مجاهدین خلق را در عرصه بین المللی ، امپریالیتهای فرانسوی ، انگلیسی ، آمریکائی ، همه احزاب محافظه کار لیبرال ، کلیه طبقات و نهادهای بین المللی ارتجاعی تشکیل میدهند . بی روشن می شود که این سیاست خارجی بسط و ادامه و نتیجه منطقی طبیعی سیاست داخلی مجاهدین خلق است که در کلیت خود از این سیاست داخلی تبعیت میکند و وابسته به آن است و در حقیقت ادامه و تکمیل آن محسوب می گردد .

مجاهدین خلق سیاست دوستی و اتحاد بر

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



ارزیابی از وضعیت کنونی (گروهبندهای سیاسی)

که حتی در تحلیل عام از مذهب و نیروهای طبقاتی، در همین خط و مرزها بین طبقات و اقشار اجتماعی، در همین مرحله انقلاب و گروهبندهای طبقاتی متناظر با آن منگس گرفته و واقعات عام و مجرد اجتماعی بوده اند، اما در هر گام عملی که از عام به خاص و از مجرد به مشخص بر ما افتاد فقط عدم شناخت واقعی و مشخص خود را از ماهیت و عملکرد طبقات به منته ظهور رسانده اند. اینان، در هر گام عملی در اینکه طبقات و گروهبندهای طبقاتی را از طریقها و بندهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی با زکات و منویا به مبارت نمایی از طریق نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی موجوده طبقات و گروهبندهای طبقاتی پشت آن پی برنده، تا توانمیان را آشکار کرده اند.

این دوران انقلابی، در هر برهه‌ای شاهد موارد متعددی از گنج سری نیروها در منطبق نمودن صحیح نیروهای سیاسی، بسیر طبقاتی بوده است که واقعا نمایندگان را برهمه داشته اند. با رزقترین نمونه این سر درگمی و آشفته نگری را می توان در مورد همین ماهیت حکومت جمهوری اسلامی و ماهیت طبقاتی جناحهای اصلی آن مشاهده کرد. فقط کافی است که به مواضع گوناگون و گاه متضاد اعلام شده از سوی نیروهای سیاسی "مارکسیستی" در این مورد توجه کرد تا صحت آشفته نگری و غیربندی بودن آنچه که بدینی بنظر میرسد روشن شود. پاسخهای متعدد و متنوع به ماهیت طبقاتی حکومت و جناحهای اصلی آن همگی از سوی نیروهای بوده است که ظاهراً از یک متد دیالکتیکی برای تعیین ماهیت طبقاتی یک چریکسان مشخص پیروی کرده اند، ظاهراً تمامی پاسخهای متعدد و متنوع بر مبنای تحلیل طبقاتی بنا گردیده است، و تمامی این پاسخها مربوط به یک مورد مشخص نبوده است. حاملین این پاسخهای گوناگون همگی دروجه ما مومرود ساخت طبقاتی جامعه ایران داشته اند، به مشخصات عام و مجرد طبقات آنها بوده اند. بورژوازی و فرقه بورژوازی را بطور کلی و به یکسان (با تقریباً به یکسان) تشریح و از هم منگس می کرده اند و این دو را به اقتضار

و لایه‌های متعدد منقسم می ساخته اند. ملایک عام همگی حاملین پاسخهای گوناگون و بیاترین پاسخها - ظاهراً - یکی بوده است. با این وجود یک ساله مشخصات ماهیت طبقاتی حکومت، و با ماهیت نیروهای سیاسی تشکیل دهنده آن پاسخهای متعدد و متنوعی دریافت داشته است.

تصور می افلاهی یک نیروی "مارکسیستی" از انبساط علم طبقات مشکل است. اما همانا بکرات مشاهده شده که یک نیروی "مارکسیستی" در ایستاده صحیح از انبساط علم طبقات در میدان عمل از حرکت بسیار ایستاده و متامل گشته است. کسی که قواعد ششبرابری را بداند، الزاماً ششبرابر نیست.

چرا انطباق یک نیروی سیاسی بسر آن طبقه و با قشر اجتماعی که نمایندگیش را برهمه دارد همواره سهل و ساده نیست و در زمانهایی خود به ساله گزهی جنبش تبدیل می شود ؟

ای و اساسی اغتشاشی که در شناخت ماهیت یک نیروی سیاسی بروز می کند، که درهم تصاویر دقیق ما بین جایگاههای اصلی نیروهای سیاسی متفاوت و تفریق می یابد، که در گنجانیدن نیروهای سیاسی اما متفاوت در یک گروهبندهای سیاسی - طبقاتی تجلی می یابد، مربوط به عدم شناخت علمی از طبقات و جایگاهشان در سازمان اجتماعی تولید در یک دوره تاریخی مشخص است. نتیجه یک جنبش بدینمی و عدم شناختی مستقیماً نتایج، جوان و رسالت طبقات را در یک دوره تاریخی از حصولات اجتماعی تیره و تاریخی گنبد و الزاماً بر شناخت نیروهای سیاسی متناظر با هر طبقه مایه می افکند. مثلاً اغتشاشی که در تعیین ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی پدید آمده و برای مدتی به یکی از مسائل مورد مشاخره "جنبش کمونیستی" تبدیل گشت را در نظر بگیرد. پاسخهای متعدد درباره ماهیت حزب و رژیم را به آوریده: بورژوازی، بورژوازی تجاری، فرقه بورژوازی، فرقه بورژوازی سنتی، لایه های فوقانی فرقه بورژوازی سنتی، حاشیه نشینان شهری، کاست روحا نیست کاست حکومتی و غیره. تمامی این پاسخها فقط بیانگر این است که بین شناخت علمی و شناخت علمی از طبقات تفاوتی اساسی وجود دارد، که شناخت عام و مجرد از طبقات

برای بررسی ساختار طبقاتی یک جامعه مشخص و نیروهای سیاسی آن کفایت نمیکند، که تاریخی که از عملکرد سرمایه و حاملین این عملکرد (بورژوازی) شناخت علمی حاصل نشده باشد، تا زمانی که معنای واقعی جایگاه گروههای اجتماعی بر مبنای سازمان اجتماعی تولید بدینوسیله درک نشده باشد، اغتشاش در تعیین نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

این درست است که عدم شناخت علمی طبقات و نتیجتاً معرفت به نقش، جوان و رسالت طبقات در هر دوره از حصولات اجتماعی اسو اساسی آشفته نگری در تعیین گروهبندهای سیاسی است. اما ساله به همین جا خاتمه نمی پذیرد.

اما گروهبندهای سیاسی که جزء لاینفک گروهبندهای طبقاتی است تا حدودی و به نسبتی از آن مستقل است. رابطه بین این دو گروهبندهای یک رابطه ساده و فرجه اول نبوده و گروهبندهای سیاسی نیست بلکه گروهبندهای طبقاتی از استقلال نسبی برخوردار است. از اینرو درجه اغتشاش در ارزیابی ماهیت نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی تا حدودی نیز بستگی به درجه استقلال نسبی نمایندگان سیاسی از طبقات و اقشار اجتماعی دارد.

مشخصه درونی نیروهای سیاسی و شرایط اجتماعی مشخصی آن عواملی هستند که به استقلال نسبی نمایندگان سیاسی موجودیت می بخشد و درجه استقلال نسبی نمایندگان سیاسی را رقم میزنند. همین امر که نیروهای سیاسی در حوزه ذهنی طبقات به مثابه یک معینیت اجتماعی قرار دارند، خود به کنشهای استقلال نسبی بالقوه نیروهای سیاسی که در شرایط اجتماعی متفاوت به درجات متفاوت می توانستند بالظلمت گردد را آشکار می سازد.

در ایندهای دوران انقلابی کنونی شرایط اجتماعی آنچنان زمینهای را فراهم نموده بود که درجه بالائی از استقلال نسبی نیروهای سیاسی (و به ویژه آن دسته از نیروهای سیاسی جوان) را سبب شده بود. سلطه نسبتاً طولانی مدت دیکتاتوری همان گسسته بر جامعه، گسستگی در مبارز سیاسی از طریق احزاب و گروههای سیاسی که مانع استقرار نیروهای سیاسی به مثابه یک نهاد اجتماعی شده بود و آن زمینهای بقیه در صحنه ۱۸

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کمیته کارخانه

مقایسه دو خط مشی در جنبش کارگری

بحران اقتصادی و سیاسی که طی چندسال اخیر، پیوسته مداومت داشته و تمامی یافته است محصول حدت بی سابقه تفادهای اجتماعی و گنبدگی نظم موجود است ادامه این بحران و تعمیق روز افزون آن در عین حال که چاره ناپذیری حل این بحران را به شیوه‌های ارتجاعی - بوروکراتیک و در چارچوب نظم موجود نشان میدهد، لزوم حل این بحران را به شیوه‌ای انقلابی بیشتر آشکار میسازد. رشد مداوم نارفاختی توده‌ها و اعتلا جنبش توده‌ای علیه نظم سرکوب‌کننده‌ای نشان گرفته که با حدت بی تفادهای درونی هیئت حاکمه و بروز یک شکاف و بحران در میان طبقات حاکمه همراه بوده است، همگی بیانگر این واقعیت‌اند که بحران انقلابی موجود، راه حل خود را در تنبیر و تحولات ژرف می‌جوید. همه شواهد عینی موجود نشان میدهد که ما در یک دوران انقلابی بسر می‌بریم و در چنین دورانی طرح شعارهای بلاواسطه انقلابی و مبارزه برای سرنگونی فوری رژیم و وظیفه هر نیروی انقلابی ست. اما در عین حال که ما در یک دوران انقلابی، یعنی دوران بیداری و آگاهی توده‌های سرردم و روی آوری آنها به زندگی پر تکاپو و فعال سیاسی بسر می‌بریم، بحران اقتصادی و سیاسی موجود پیوسته ژرفتر میگردد و شکاف در درون هیئت حاکمه عمیقتر میگردد. در همان حال سیاست سرکوب عیان گسیخته رژیم و ضروریم عربان که بویژه تامدتی پس از سال ۵۶ افش موقت را در جنبش عمومی توده‌ای و نیز جنبش طبقه کارگر پدید آورد، تاثیر خود را بر شکل مبارزات توده‌ای و محدود کردن دامنه اعتلا جنبش بر جای گذاشته است. این امر هر چند بر تاکتیکهای روزمره ما تاثیر گذارده است، اما مادام که دوران انقلابی و بحران انقلابی با برجاست نمی توانست در مٹی تاکتیک ما طی این دوران تاثیر بگذارد. بنا بر این این سؤال پیش می‌آید که با توجه به مشخصه‌های دوران انقلابی کنونی، بحران انقلابی، و چشم انداز تحولات انقلابی و نیز سرکوب و اختناق عیان گسیخته رژیم که از دامنه اعتلا جنبش توده‌ای گاشته است و در حالیکه طبقه کارگر ایران فاقد یک شکل پایدار غیر حزبی است، کدام شکل

سازماندهی موثرترین و مناسب‌ترین تشکیل با محاسبه این مجموعه عوامل معنی، محسوب میگردد، و میتوان آنرا بشما به یک شعار عمل عنوان کرد. ما قبلاً اپورتونیستی بودن شعار اتحادیه را در وضعیت کنونی مورد بررسی قرار دادیم و نیز گفتیم که طرح شعار شورائیزم تنها یک شعار عمل تنها در یک موقعیت انقلابی و هنگامیکه طبقه کارگر وسیعاً به عرصه مبارزه فعال کشیده میشود و به اعتصاب عمومی سیاسی روی می‌آورد، مجاز است و نه در شرایط کنونی که دامنه اعتلا هنوز محدود است.

بنابراین با در نظر گرفتن مجموعه شرایط آن تشکیل لازم است که از یک منطبق بر دوران انقلابی کنونی و بحران انقلابی و وظایف این دوران باشد، و از سوی دیگر به وظایف و شعارهایی که منطبق بر دامنه محدود اعتلا است پاسخ گوید. روشن است که چنین تشکیل نمیتواند یک شکل پایدار باشد، بلکه یک تشکیل انقلابی و تحول پذیر است، که با قطعیت یافتن تحولات باید جای خود را به یک شکل پایدار بدهد. این شکل کمیته کارخانه است و شعار کمیته کارخانه یک شعار عمل محسوب میگردد. خصوصیت کمیته کارخانه در این است که تحت شرایط ویژه‌ای پدید می‌آید یعنی کمیته کارخانه نمیتواند در یک دوران با اصطلاح "مأمیت" و رکود سیاسی که جامعه با یک بحران اقتصادی و سیاسی روبرو نیست تشکیل بگیرد، چرا که وظایفی که کمیته کارخانه در برابر خود قرار میدهد با خصوصیات و وظایف این دوران هیچ سازگاری ندارد. بلکه فقط در یک دوران انقلابی میتواند شکل بگیرد، اما برخلاف شورا که در یک مرحله معین از تکامل اعتلا جنبش در دوران انقلابی یعنی در موقعیت انقلابی شکل میگردد، کمیته کارخانه به لحاظ انعطاف پذیری و تحول پذیری خود میتواند حتی در مراحل اولیه دوران انقلابی، یعنی به هنگامیکه دامنه اعتلا هنوز محدود است، و بحران سیاسی سر حد کمال رشد و رسیدگی خود نرسیده است، نیز شکل بگیرد.

در شرایط کنونی که ما در آن بسر می‌بریم از یکسو نه رژیم جمهوری اسلامی چنین اجازه‌ای را به کارگران میدهد که

اتحادیه‌ها را ایجاد کنند، و نه با توجه به وظایف دوران انقلابی و بحران انقلابی، طرح شعار آزادی اتحادیه، بدون ربط و پیوند آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مجاز می‌باشد و از سوی دیگر اعتلا جنبش هنوز به مرحله‌ای نرسیده است که بتوان شعار شورا را بعنوان یک شعار مسلط مطرح ساخت. شعار ایجاد کمیته‌های کارخانه مناسب‌ترین شعار عملی است. از این گذشته همانطور که میدانیم امروزه جمهوری اسلامی هرگونه تشکیل کارگری را منع کرده است و تنها در برابر کارگران شوراها را مجاز دانسته است. اما میدانیم که این شوراها اکثراً از سوی کارگران تحریم شده‌اند، حتی راه کارگر و حزب کمونیست کومله نیز باین امر مترفند و می‌گویند "شوراها اسلامی در اکثر کارخانجات توسط کارگران تحریم شده‌اند". اما از آنجائیکه سرردم میخواهند مبارزه طبقه کارگر را در دایره مناسبات بورژوازی و مبارزه اقتصادی محدود کنند، هیچکس به نقش و اهمیت این تحریم نپرداخته‌اند. در حالیکه این تحریم که بازتاب سطح مبارزه سیاسی و آگاهی کارگران ایران است، دارای چنان اهمیتی است که باید آنرا امیلان جنگ آشکار کارگران به رژیم جمهوری اسلامی دانست، چرا که به قول لنین "تحریم، اعلان جنگ آشکار علیه رژیم کهنه و حمله مستقیم به آن است" (لنین - تحریم - لنین)

این نیز خود اهمیت تشکیل همچون کمیته کارخانه را در وضعیت موجود نشان میدهد. چرا که اعلان جنگ آشکار کارگران جمهوری اسلامی از طریق تحریم شوراها، اسلامی اتحادیه را نمی‌طلبد و با توجه به اینکه هنوز موقعیت انقلابی و فعالیت شدید کارگران وجود ندارد، شورا نیز نمیتواند پدید آید، اما کمیته کارخانه میتواند، با سخوی سطح کنونی مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر، و درخواستهای این طبقه باشد، از همین روست که سازمان مابدرستی از مضمنا پیش بر ضرورت، نقش و اهمیت کمیته‌های کارخانه در وضعیت کنونی جنبش تاکتیک شده است. از جمله در مقاله‌ای تحت عنوان جنبش کارگری و وظایف ما گفته شده است:

"بنا به مجموعه شرایط حاکم بر ایران مهمترین شکل تشکیل، کمیته‌های کارخانه است. باید تلاش دامنه داری را برای



روشنفکران انقلاب

رفقا! امروز جامعه ما با شرایط بسیار حساس و بحرانی ای روبروست. بحران اقتصادی و سیاسی ای که تمام ارکان جامعه را فرا گرفته است بهیوست زورتر می شود، فسادهای اجتماعی هر دم حادث می گردد و فشارهای بی حد و حصر اقتصادی و سیاسی، مداوما بر دامنه نارضایتی و اعتراضی شده ای می افزاید. مبارزه کارگران و زحمتکشان طبقه نظم موجود، گسترش و اعتلاء می باید. رژیم جمهوری اسلامی با بحرانها و فسادهای لابنتلی روبروست. تمام شواهد و حقایق حاکی از آن است که تحولات انقلابی اجتناب ناپذیر است و سرنگونی رژیم امری حتمی است.

چنین شرایطی وظایفی بسیار فطری و سنگین بر دوش سازمان ما قرار داده است. ما میخواهیم مبارزه طبقه کارگر را علیه طبقات استثمارگر و ارتجاعی متشکل و رهبری کنیم. ما میخواهیم آگاهسی طبقاتی را به میان کارگران ببریم. ما میخواهیم کارگران را به نیروی شکست طبقاتی شان آگاه سازیم، آنها را پیش از پیش آماده سازیم تا این طبقه قادر باشد، رهبری مبارزات خود را در دست گیرد، انقلاب دمکراتیک را به سرانجام پیروزمندش برساند و تداست باسی به هدف نهایی خود، که همان استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است، پیش رود. این از یکسو. اما از سوی دیگر، درحالی که جامعه ما با یک بحران همه جانبه روبروست و چشم انداز یک قیام مجدد توده های دیربهر ما قرار دارد، رژیم جمهوری اسلامی با توسل به دیکتاتوری هریان و عنان گسیخته، سرکوب دیوانه وار و اختناق هولناک بدر تلاش است تا بر سر راه اعتلاء دم افزون جنبش توده های موافقی پدید آورد و از دامنه فعالیت سازمان ما در زمینه سازماندهی و رهبری جنبش طبقه کارگر و جنبش توده های بگاهد.

این سیاست سرکوب و اختناق رژیم، منجر اجتناب ناپذیری، بر شکل فعالیت سازمان و دامنه فعالیت های آن، تاثير گذاشته و تنها ذکر همین نکته کافی است، که هم اکنون هزاران تن از کارگران و روشنفکران انقلابی از میان هواداران سازمان که به صحت و حقانیت ایدئولوژیک - سیاسی سازمان، برنامه و تاکتیکهای

آن اعتقادی راسخ دارند و آماده اند، فعالت در جهت پیشبرد وظائف انقلابی سازمان مبارزه کنید، پراکنده و بی سازمان، اختزیشان هرز می رود. پس از یکسو شرایط بحرانی موجود، گسترش دامنه فعالیت سازمان، تبلیغ گسترده و سازماندهی توده های را می طلبد. و از سوی دیگر دیکتاتوری و سرکوب، موانع عینی را در برابر انجام این وظیفه پدید آورده است. از این گذشته، سازمان ما بمثابة سازمان پیشرو طبقه کارگر، بمثابة سازمان انقلابی، حرفه ای، سازمانی اکیدا پنهانکار و محدود که خط و مرزهای صریحا روشن باید آنرا از توده هوادار منفک سازد، نمیتواند نیروی وسیعی را در درون تشکیلات سازماندهی کند، چرا که در چنین حالتی، اما هیچ تضمینی برای ادامه کاری سازمان با توجه به شرایط موجود، وجود نخواهد داشت.

پس چه باید کرد؟ آیا رفقای هوادار باید منتظر شوند، و دست روی دست بگذارند؟ قطعاً خیر! رفقای هوادار باید با درک عمیق شرایط موجود، نقش سازمان و رسالت طبقه کارگر ایران در تحولات انقلابی جامعه، در هر کجا که هستند، با تشکیل هسته های خود را تشکیل سازمان یافته و متشکل خود فعالانه در سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت کنند، پایه فعالیت تبلیغی و ترویجی خود را در میان توده ها برنامه سازمان و مطالب تشریح "کار و فدای فدائی" قرار دهند و با استفاده از آدرسهای علمی سازمان در خارج از کشور، آدرس صدای فدائی سازمان ارتباط برقرار کنند و بر مبنای رهنمودهای زیر، فعالت در مبارزه شرکت کنند و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا نمایند.

پس نخستین وظیفه هر رفیق هوادار سازمان این است که با یک یا دو رفیق هوادار دیگر، یک هسته هوادار تشکیل دهد. هواداران سازمان باید تلاش کنند با تشکیل هسته های کارگری، در درجه اول، کارگران را آگاه و متشکل سازند. و در این زمینه بویژه به کارگران موسسات صنعتی بزرگ و رشته های استخراج اقتصادی، توجه خاصی داشته باشند. چرا که این کارگران بدلیل داشتن سابقه مبارزاتی و آگاهی نسبی، زمینه تشکیل پذیری بیشتری نسبت به سایر کارگران دارند و در صورت به اعتصاب کشیده شدن این واحدها، از قبیل صنعت

نفت، صنایع نظامی، ذوب آهن، معادن، ماشین ساریها و برق، شریانیهای اقتصادی رژیم، قطع خواهد شد. در این زمینه کافی است نقش و اهمیت اعتصاب کارگران صنعت نفت در قیام بهمن ۵۷ و همچنین اعتصاب کارگران ذوب آهن را در سال گذشته بخاطر بیاوریم.

هسته هوادار چگونه تشکیل میشود؟ هسته هوادار میتواند در محیط کار یا در محل زندگی رفقای هوادار تشکیل شود. رفقای کارگر هوادار سازمان، باید تمام تلاش خود را بکار گیرند تا در کارخانه ای که کار میکنند، یک هسته هوادار تشکیل دهند و با تشکیل هسته هوادار، فعالیت خود را گسترش دهند. اگر در یک کارخانه، تنها یک هوادار سازمان وجود دارد، این رفیق هوادار باید سعی کند از طریق کار و فعالیت مداوم آگاهگوانه، در آفاق بزرگ با دو کارگر آگاه و پیشرو را به سمت حفظی سازمان جذب کند و سپس از طریق آنها یک هسته هوادار تشکیل دهد.

هسته های هوادار، همچنین می توانند در محلها تشکیل شوند، فی المثل اگر سه رفیق هوادار در حوالی میدان شوش تهران زندگی می کنند، باید یک هسته هوادار در همان منطقه تشکیل دهند و در همان منطقه، فعالیت خود را آغاز کنند. هسته های هوادار میتوانند در مناطق زندگی کارگران و زحمتکشان، نقش مهمی در بالا بردن آگاهی توده ها و سازماندهی و رهبری اعتراضات و مبارزات آنان ایفا کنند. رفقای هوادار سازمان که در روستاها زندگی میکنند، باید در همان روستاها، هسته هوادار تشکیل دهند و فعالیت خود را در وهله نخست، در میان کارگران و نیمه پرولترهای روستا آغاز نمایند.

رفقای هوادار سازمان کوه دوره سرمای خود را میگذرانند، بایست در سرمای خانه، هسته های هوادار سازمان را تشکیل دهند. پس چنانکه گفتیم، هسته های هوادار، با توجه به شرایط رفقای تشکیل دهنده آنها، در محل کار یا محل زندگی شکل میگیرند. اما آنچه باید روی آن تاکید کرد این است که رفقا تنها در یکی از این هسته ها فعالیت نکنند، با در هسته محلی و با در هسته ای در محیط کار، شرکت یک رفیق در آن واحد در دو هسته، منجر به تداخل زمینه فعالیت و مسائل هسته ها می شود و درود ضربه پذیری رفقا را بالا میبرد. مثلا رفیق کارگری کوه امروز در یک هسته محلی شرکت دارد، اگر

رهنمود به هواداران

امکان یافت با کارگران کارخانه‌ای که در آن کار میکنند، هسته ایجاد کند، در درجه اول باید ارتباطش را با هسته محلی قطع کند.

مسائلی که رفقای هوادار، هنگام تشکیل هسته باید به آن توجه کافی کنند: رعایت مسائل امنیتی است. رفقای کسی نخواهند با یکدیگر هسته تشکیل دهند باید از نظر امنیتی برای یکدیگر شناخته شده و مورد اعتماد یکدیگر باشند. رفقا باید این مسئله را در نظر بگیرند که سوزواری برای فریب زدن به سازمانهای انقلابی، از شیوه‌های گوناگونی استفاده میکنند.

مواردی مشاهده شده که مزدوران رژیم، سعی کرده‌اند با استفاده از هواداران نفوذی خود، هواداران سازمان را شناسایی کرده و به آنها فریب بزنند. این مزدوران سعی کرده‌اند با ظاهر به هواداری از سازمان و گرفتن پز بیگ انقلابی در آن‌ها، در بین هواداران نفوذ کرده و آنها را شناسایی و دستگیر نمایند.

همچنین هسته‌ها باید حتماً محلی باشند یعنی به جز خود رفقای تشکیل دهنده هسته، هیچ فرد دیگری، حتی نزدیکترین دوستان و خویشان و آشنایان، نباید از وجود هسته و ارتباطی که رفقای هسته عنوان هوادار سازمان با یکدیگر دارند.

چرخه‌های امنیتی داشته باشند. وقتی که یک هسته هوادار تشکیل شده، مهمترین امری که این هسته بمنظور وجودیت و ادامه کاری خود باید رعایت کند، اجرای اکید اصل پنجاه و یکم است: انضباط پرولتاری است.

رفقا باید در نظر داشته باشند که فرایند کار کمیونیتها، عموماً پیشبرد گسار محلی را می طلبد، بر این اساس رفقای هوادار، باید همواره با نهایت هشیاری مبارزه با پلیس سیاسی را که امروز در میشت سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و سپاه و کمیته و اداره حفاظت کارخانه‌ها و انجمن اسلامی ظاهر شده است به پیش ببرند، باید با غلظت و ابتکار عملی خود، شیوه‌های جاسوسی و سرکوب رژیم را غنشی کنند و به محلول و رفتن نیروهای از فعالیت، با پوشش امنیتی بلاتلاطم اشکال دیگری را که برای پلیس سیاسی شناخته شده نیستند، در پی بگیرند.

اما رعایت کامل اصول محلی کاری تنها

زمانی منظور خواهد بود که رفقا اصول انضباطی بی چون و چرای پرولتاری را مبنای حرکت خود قرار دهند. انضباط بولائین فداکاری، و شور انقلابی، شرط اصلی ادامه کاری و موفقیت یک هسته در پیشبرد وظائف انقلابی می‌باشد. هسته‌ای که نظم و انضباط پرولتاری را در تمامی زمینه‌های فعالیت خود به کار نرفته، قادر به رعایت محلی کاری نخواهد بود و در نتیجه نه در امر تبلیغ، نه در امر سازماندهی مبارزات کارگران و نه در پیشبرد وظائف درونی خود، موفق نخواهد شد.

اعمال انضباط پرولتاری بخصوص در فرایند خلقان آمیز کنونی و از نظر امنیتی اهمیت بسیار زیادی دارد و رفقای هسته در این مورد نباید هیچگونه سهل‌انگاری و سهل انگاری از خود نشان دهند.

برخورد لیبالی به مسائل، نه تنها بد راه رفتارها هست می‌شود، بلکه چه بسا خنایج زیانباری برای ادامه کاری هسته در پی داشته باشد. بر سر آورد غیرمطلوبه‌ها در رابطه با وظایف انقلابی هر رفیق هسته، اگر نرفقای این وظایف اجزای یک قرار باشد، جدی نگرفتن و دست برداشتن بر یک قرار، یعنی نشان دادن در فوریج ندریات و... خود این رفیق و دیگر رفقا را در معرض فریاد پلیس قرار میدهد و بسته نابودی قطعی هسته خواهد انجامید.

وظایف هسته‌های هوادار:

- الف- وظایف درونی ب- وظایف بیرونی.
- الف- اولین وظیفه هسته هوادار، ارسال اخبار و گزارشات مبارزات خودهای هسته سازمان است. ارسال اخبار و گزارشات، یکی از مهمترین وظایف هسته‌های هوادار، چه هسته محلی و چه هسته‌هایی است که در محل کار تشکیل می‌شوند. درباره اهمیت ارسال اخبار و گزارشات مبارزات خودهای، همین بس که بگوئیم، دقیق شدن تحلیلها و رهنمودهای سازمان و فضای برنامه‌های رادیو قاعد زیادی در گرو اطلاع هر چه دقیقتر از مسائل و مشکلات کارگران و زمینگان و سطح مبارزه آنان است. پس هر هوادار، باید همواره بعنوان بستگ گزار فکر دقیق و فعال سازمان عمل کند.
- هر حرکتی که در کارخانه یا محله انجام می‌شود، هر اعتراض کارگران و زمینگان نسبت به وضعیت موجود را اگر خود شاهدش بوده‌اید، حتی اگر شما در جریان حرکت قرار نداشته، اما از موفق بسودن آن اطمینان دارید، کاملاً دقیق و مینبأ به شکلی که اتفاق افتاده است، و در اسرع وقت به آدرس مدای فداکاری

بفرستید. گذشته از اخبار و گزارشاتی که از اعتراضات و مبارزات خودها می‌فرستید، بطور مرتب گزارشاتی از اشکال مبارزاتی کارگران، روحیات خودها، سطح آگاهی و میزان آمادگی آنان برای حرکتات اعتراضی، به سازمان ارسال فرایند.

گزارشات شما باید حاوی اطلاعات زیر باشد: نام کارخانه، علت حرکت، انگیزه تاریخ دقیق و تعداد کارگران شرکت کننده در حرکت، انگیزه حرکت، کم کاری، اعتصاب، ضمن، خطاها، مزایا و... بر غرور مدیریت و انجمن اسلامی و شورای اسلامی به حرکت کارگران و روحیه کارگران پس از پایان یافتن حرکت و مهمترین خواسته‌های کارگران در آن مقطع.

علاوه بر گزارشی حرکت محلی بطور کاملاً واقعی و به شکلی که اتفاق افتاده است که بطور مجزا تنظیم می‌شود، رفقای هوادار بررسی خود را از حرکت و نقاط ضعف و قوت آن فرایند سازمان گزارش کنند.

رفقای که در محلات فعالیت می‌کنند باید علاوه بر گزارشاتی که موقتاً از روحیات و مبارزات خودها و مسائل آنان در هر مقطع برای سازمان می‌فرستند، اعتراضات و مبارزات خودها را با رعایت نکات زیر به سازمان گزارش کنند، کما بدون ابهام و قابل استفاده باشد:

۱- زمان وقوع حرکت و محل آن (اسم شهر، خیابان، محله و روستا) و خواسته‌های

مطروحه‌ها. ۲- موقعیت طبقاتی و شکلی مردمی که در موردشان گزارش تهیه می‌شود. مشخصی شود، آیا افراد مورد بحث شما کارگر هستند، زمینگان شهری، روستا فسی، دانش آموز، دانشجوی، کارمند و غیره.

۳- چگونگی شکل گیری حرکت، چه طایفه با معنی که اعتراض یا حرکت شکل بگیرد؟ مثلا موارد بسیاری اتفاق افتاده که در یک فوریج ما به نیاز عمومی، اعتراضی بستگ فرد زمینکش به کمبود مواد غذاقی و گزارش قیمتها، به بند و سستی تبدیل شده و بسا مخالفت با هواداران، منجر به این شده است که اعتراضات مستقیماً بطرف رژیم گانالیزه شود. در گزارشی از هر حرکت و اعتراض خودهای، چگونگی شکل گیری و زمینه ایجاد حرکت را توضیح دهید.

۴- تعداد افراد شرکت کننده در هر حرکت، شکل مبارزه، شعارهای طرح شده، شیوه برخورد مزدوران رژیم امروز جاسوسان محلی، شورای مساجد و انجمن اسلامی، کمیته



رهنمود به هواداران

و سپاه به حرکت مردم و نتیجه حرکت را ذکر کنید.

۱- هنگامی خبر در میان توده‌ها و واکنش آنان نسبت به این خبر، آیا فقط به ابراز همدردی اکتفا می‌کردند، یا حمایت مادی؟

۲- موضع توده‌ها نسبت به نیروهای سیاسی چه بود؟ آیا با نفی جمهوری اسلامی، آلت‌رناسیونی رایجی آن برای خود داشتند؟ از کدام نیروی سیاسی حمایت می‌کردند و دلالتشان چه بود؟

در ارسال اخبار و گزارش مبارزات کارگران و توده‌ها، نکته‌ای که باید حتماً به آن توجه شود این است، که گزارش وقایع بدون تحلیل و عین آنچه اتفاق افتاده است کاملاً دقیق، بطور مفصل و با

ذکر جزئیات تهیه شوند، بازم خاکبند میکنیم رفا همین آنچه را که اتفاق افتاده است گزارش کنند. با رها اطلاق استفاده

است که رفقای هوادار گزارشاتی از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای سازمان ارسال میدارند که حاوی بیس

اساسی ذهنیت و افراق آمیز است. رفا باید توجه داشته باشند که هرچه گزارشات دقیقتر و بیشتر منطبق بر واقعیات باشد، در تحلیل دقیقتر از مسائل

و شرایط بسیار مؤثرند. هنگامیکه گزارشی از روایات توده‌ها و نظرشان نسبت به خاکبند، جنگ و مسائل مختلف تهیه میکنید، این گزارش باید منمکن کننده

روحیه عمومی توده‌ها باشد. گزارشی که به روش توضیح داده شده تهیه میکنید با رعایت کامل مسائل

امنیتی زیر برای ما ارسال مجاریه: - گزارشات با خط خوانا نوشته شود، شماره داشته باشد تا مشخص شود که کدام

نامه شما بدست ما نرسیده است. گزارشات پس از تهیه در اولین فرصت ممکن پست شود، تا اخبار تازه و قابل استفاده

باشند. - در گزارشات مبارزات توده‌ها از ذکر مسائل اطلاعاتی و امنیتی که با امنیت شناسایی شما تا عامل خبر میگردد، خودداری کنید.

هیچگاه آدرس واقعی خود را روی پاکست ننویسید. بجز آدرس فرستنده غیر واقعی اما کامل را بنویسید تا برای رژیم شکی ایجاد نکند.

- نامه‌ها و گزارشات خود را در دو نسخه

جداگانه، با دو آدرس فرستنده مختلف در دو روز مختلف و از دو محل جداگانه پست کنید تا اگر یکی از نامه‌ها بدست نرسید، دیگری حتما برسد.

- برای گزارشاتی که مداوماً به رادیو میفرستید، از آدرسهای فرستنده مختلفی استفاده کنید.

- هرگز از کاغذ کپی استفاده نکنید. - در صورتی که حجم گزارشات زیاد است، آنها را در دو یا چند نامه جداگانه

بفرستید، همواره حجم نامه ارسالی شما با اندازه حجم یک نامه معمولی باشد. ضمیر پستی نه کمتر و نه بیشتر از میزان لازم، بلکه در حد معمول برای خسار از کشور الحاق شود.

گزارشات و اخبار خود را با رعایت کامل مسائل امنیتی به آدرس یکی از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال دارید و از آنها بخواهید نامه‌های شما را سریعاً به آدرس رادیو پست کنند.

۲- دومین وظیفه درونی همتاها برنامه ریزی برای فعالیت هسته و پیگیری آن و تلاش در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک و عمائل انقلابی است.

هر هسته هوادار باید برنامه کوتاه مدت و دراز مدت قابل اجرایی در تمامی زمینه‌های فعالیت خود تنظیم نماید و آنرا بطور منظم به اجرا در آورد. این

برنامه، برنامه‌ای است که با توجه به وظایف هسته‌ها، بسته به اینکه کجا تشکیل شده‌اند و در چهارچوب برنامه

سازمان، نشریه کار و مطالب رادیو، انجام میدهد. تنها ارزیابی دقیق این برنامه و عملکرد آن است که کارسرد

سیاست، نحوه تبلیغ و ترویج، سطح فعالیت، میزان انضباط و بالاخره تمامی نقاط قوت و ضعف حرکت هسته را بطور کامل روشن میسازد. گزارشاتی که هسته از این

مجموعه فعالیت تنظیم میکند، محمود منمکن کننده میزان نظم و انضباط اعضا هسته و پیگیری در پیشبرد برنامه کار هسته است.

هسته‌های هوادار باید با برگزاری جلسات مداوم و منظم که در شرایط فعلی میتواند هر یک تا دو هفته یکبار صورت پذیرد، برای فعالیت خود برنامه ریزی کنند و در

هر جلسه بنیاداً اشکالات و مسائلی که در جریان عمل پیش آمده، ریشه نارسا شیبها را پیدا کنند، اگر مربوط به برنامه ریزی

و کمبود امکانات است برای از بین بردن آن اقدام کنند و اگر به کم کاری، بی توجهی و جدی نگرفتن وظایف از جانب رفقایی

برمیگردد، با انتقاد جدی و سرختم اسب رفیقانه در جهت برطرف کردن آن بکوشید. فته‌ها نباید رهنمودهایی را که از طریق

رادیو و نشریات سازمان کسب میکنند، مجدانه بکار بندند و تا اثبات آنرا همسرا با نظرات خود به سازمان گزارش کنند.

رفقای هوادار در این جلسات، همچنین باید برنامه ریزی مشخصی برای مطالعه

بررسی برنامه مطالعه‌ای که قبلاً از رادیو پخش شد و دوباره پخش خواهد شد، مطالعه نشریات سازمان و برخورد به مسائل

رادیو داشته باشند. رفقای هوادار در ضمن شرکت فعال در مبارزات توده‌ها، باید تلاش کنند آگاهی خود را بالا ببرند.

بنیادهای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات خود را مستحکم کنند و به مواضع سازمان مسلط شوند. یک هوادار سازمان، هرچند

پر شور و مادی، فداکار و از خود گذشته باشد، مادام که این شور و صدقت ر از خود گذشتگی اش با آگاهی پیوند نخورده

و پشتوانه ایدئولوژیک مستحکم نداشته باشد، مادام که شور او شکیبایی انقلابی اش

باشعور انقلابی تلفیق نشود، هر آن در معرض لغزش و دچار شدن به انحرافات قرار دارد. امروز سازمان ما بسررای

گسترش فعالیت و نفوذ خود در بین کارگران به آن چنان نیروهای نیاز دارد

و اساساً آن نیروهای میتوانند در صفوف سازمان و با تحت نام هوادار سازمان فعالیت کنند و ادامه کاری داشته باشند،

که با تسلط بر مواضع سازمان، با داشتن پشتوانه ایدئولوژیک قوی، آگاهی خود را در خدمت مشکل کردن و آگاه کردن کارگران

بکارگیرند. پیوند شور انقلابی و آگاهی سیاسی هر رفیق هوادار، آنچنان نیروی

شگرفی می‌آفریند که قادر است عظیم ترین موانع را از پیش پای فعالیت انقلابی اش بردارد و در این راه نه تنها مشکلات از حرکت باز نشماردند، بلکه در برخورد به مسائل و مشکلات، همچون صخره سخت و همچون کوه استوار است و با درسی آموزی از هر اشتباه و شکست، نیروی تازه ای

میگیرد و بر توانتر به پیش میرود. رفقای هوادار، برای تقویت خماشکل کمونیستی خود، برای از بین بردن گرایشات و خصائل خرده بورژوازی و تقویت و تحکیم مناسبات رفیقانه، باید هر یکماه یکبار جلسات انتقادی تشکیل دهند.

رفقای هوادار باید با روحیه انتقاد پذیری خود که منبعت از شور



رهنمود به هواداران

انقلابی، از خود گذشتگی، صداقت و ایمان به آرمان کارگران میباشد. با درک صحیح از اعتقاد و اعتقاد از خود جلبات اعتقادی را به مرصه‌های بسیاری از سر راه برداشتن هر آنگونه غماشل و فعلیاتی که مغایر با اطلاق کمونیستی است و در پیرویه کار، مدی در مقابل کسرتش فعالیت هسته خواهد شد، تحصیل نمایندند. با چنین زمینه و پیش‌فرضی است که جلسات انتقادی، افتخار در قباله در بین اعفاء هسته را تقویت میکنند و کیفیت فعالیت آنها ارتقاء می‌بخشد. رفقای هوادار باید مرتباً گزارش‌های از چگونگی فعالیت خود، چگونگی پیشبرد برنامه مطالعاتی، نکات گرهی بحث‌ها و مسائلی که با آن روبرو هستند، به تشکیلات ارسال دارند.

۲- مومنین وظیفه درونی هسته هوادار خلاصی برای ارتباط گیری با سازمان است. و گفتیم که در شرایط کنونی، رفقای هواداری که میخواهند با سازمان ارتباط بگیرند، میتوانند از طریق مکاتبه با آدرس‌های علمی سازمان در خارج از کشور این ارتباط را برقرار کنند. بسیاری دست‌هایی به این امر، رفقا ابتدا گزارش کاملی از وضعیت هسته و سطح فعالیت آن برای سازمان بفرستند. گزارش باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

- ۱- ترکیب هسته چگونه است؟ نفرات ذکر شود، هسته از یک دیپلم بگیر و کارگر تشکیل شده است.
- ۲- تشکلات هر یک از اعفاء هسته از نظر سطح آگاهی شوریک
- ۳- تاریخ تشکیل هسته
- ۴- هسته در محل کار تشکیل شده یا محل زندگی
- ۵- فعالیت هسته در حال حاضر چیست؟
- ۶- ارتباط توده‌های اعفاء تشکیل دهنده هسته

- ۷- خلاصیاتی که تاکنون در جهت سازماندهی کارگران و جمع‌کنان انجام داده‌اید.
- ۸- تبلیغات سیاسی هسته، اگر هسته محلی است، اعلامیه‌هایی که تا بحال پخش کرده‌اید، این اعلامیه‌ها در میان چه اقشار و طبقاتی پخش شد.
- ۹- موضعگیری کارگران نسبت به این

اعلامیه چه بوده، مضمون اعلامیه، زمان، مکان و میزان پخش اعلامیه.

۱۰- توضیح درباره اخباری که از نتیجه تبلیغات سیاسی خود کسب کرده‌اید. ابتکارهایی که بکار بردن آنها به دیگر هواداران توصیه میکنید.

- ۱۱- چشم آندازها و نقش عملی آشی
- ۱۲- تا بحال چند کمک مالی برای سازمان جمع آوری کرده‌اید، به چه طریق این کمکها را در اختیار تشکیلات قرار داده‌اید؟
- ۱۳- منبع تامین مخارج زندگی افراد هسته
- ۱۴- مسائل و مشکلات امنیتی گروه، هر ارتباط مشکوک و غیر منظره و هر مسئله امنیتی که دارید به سازمان گزارش کنید.
- ۱۵- برنامه کار سیاسی - ایدئولوژیک هسته چیست؟

رفقا باید این اطلاعات را با رعایت کامل مسائل امنیتی برای سازمان بفرستند. منتظر شوند تا از طریق راهپو، رسیدن نامه‌شان به آنها اطلاع داده شود، سپس طبق رهنمودی که از طریق راهپو دریافت میکنند، حرکت خود را ادامه دهند و گزارشات بعدی خود را ارسال کنند.

رفقای هسته‌های هوادار برای ارسال گزارش تشکیلاتی خود، باید نکات امنیتی زیر را آکیداً رعایت کنند، تا در صورت باز شدن احتمالی نامه‌ها، هیچگونه اطلاعاتی از آنها بدست پلیس نیفتد. طبیعی است دقت و رعایت اصول امنیتی در تماس با سازمان، و در نظر گرفتن رعایت کردن فواید تعیین شده بسیاری ارسال اخبار و گزارشات حتمی بودن و اهمیت دادن به جنبه‌های امنیتی فعالیت هسته، ملاک‌هایی هستند که در تفاوت سازمان از صلاحیت امنیتی هواداران، نقش بازی میکنند. راه نزدیکی رفقای هوادار به سازمان، فعالیت مداوم و پیگیری براساس رهنمودها و با رعایت آکید موازین امنیتی است.

رفقای هوادار، گزارشات تشکیلاتی خود را باید بصورت نامرئی نویسی در پسین خطوط یک نامه معمولی و در موارد امنیتی برای بالا بردن ضریب امنیتی با استفاده از جدول رمز که بصورت نامرئی نوشته شده باشد، برای سازمان بفرستند. برای نامرئی نویسی، ابتدا یک نامه معمولی با همان مضمونی که برای دوستان و آشنایان خود میفرستید، بنویسید. این نامه باید کامل باشد و در صورت باز شدن،

خود ایجاد شک نکنند. سپس متن گزارش با نامه خود را که میخواهید نامرئی بنویسید، آماده کنید، بطور مثال اگر میخواهید آدرس‌ها شماره تلفن یکی از دوستان با آشنایان خود را که میتوان در صورت لزوم به وسیله آن باشما تماس گرفت، بفرستید، ابتدا این آدرس‌ها شماره تلفن را با استفاده از جدول رمز، به رمز تبدیل کرده، سپس کلید رمز را در یک نامه با استفاده از نامرئی نویسی برای ما ارسال کنید و خود آدرس‌ها شماره تلفن رمز شده را نیز به چند قسمت تقسیم کرده هر قسمت را در لابلای خطوط یک نامه معمولی بصورت نامرئی بنویسید و برای ما بپست کنید. دقت کنید، آدرس یا شماره تلفنی که در صورت امکان برای ما میفرستید، مطلقاً نباید مربوط به محل سکونت یا کار خود شما و سایر هواداران سازمان باشد. باید آدرس غیر مستقیم در اختیار ما قرار داده شود و روشن کنید که از آدرس یا شماره تلفن چگونه استفاده کنیم، چه کسی را مورد خطاب قرار دهیم. برای چه کسی پیام بگذاریم و خود را چه کسی معرفی کنیم.

چگونگی نوشتن نامه به شیوه نامرئی نویسی: برای نامرئی نویسی، یک قلم یا خودنویس نو و کاملاً تمیز و جوهر نامرئی و کاغذ سفید معمولی احتیاج دارید. جوهر نامرئی، محلول با مایع بپیرنگی است که هنگام استفاده از آن برای نگاشتن هیچگونه اثر آشکاری از خود باقی نمیگذارد و برای ظاهر کردن نوشته نامرئی، از حرارت یا اطوی داغ استفاده می‌شود. بهترین جوهر نامرئی، آب باطری مساوی ۱٪ اسید سولفوریک با محلول جوش شیرین است. اگر فلظت آب باطری از ۱٪ بیشتر باشد، نوشته‌ها در اثر کمی حرارت سرما ظاهر میشود و روی کاغذ اثر میگذارد و جای خطوط نوشته شده، پس از خشک شدن، کمی برقی شده یا به رنگ زرد در می‌آید. و اگر فلظت آب باطری کمتر از ۱٪ باشد، متن نامه در اثر کشیدن اطوی داغ بر روی آن، دیرتر ظاهر میشود.

پس از آماده کردن وسائل لازم برای نوشتن نامه، ابتدا بر روی کاغذ سفید معمولی، یک نامه عادی خطاب به یک دوست یا فامیل غیر واقعی بنویسید. دقت کنید خطوط نامه عادی با فاصله از یکدیگر

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



رهنمود به هواداران

نوشته شود، تا بتوانید خطوط نامه نامرئی را در بین خطوط آن جای دهید، بطوریکه هنگام خواندن نامه اصلی شما که به طور نامرئی نوشته شده است، خطوط روی هم نیافتند و قابل خواندن باشند. حال جوهر را استخوان کنید در صورتی که کیفیت آن مناسب بود، متنی را که قبلاً برای نامرئی نویسی آماده کرده‌اید، با خودنویس یا نلم حاوی جوهر نامرئی در لایق خطوط نامه معمولی بنویسید. هنگام نامرئی - نویسی مواظب باشید روی کاغذ آنقدر فشار نیاورید که آثار فرو رفتگی و برآمدگی روی کاغذ بماند، همچنین اگر پشت و روی یک کاغذ را نامرئی نویسی میکنید، دقت کنید خطوط نامرئی پشت و روی صفحه، روی یکدیگر نیافتند. در چنین صورتی متن نامه به زحمت قابل خواندن خواهد بود. پس از نوشتن نامه، وقتی کاملاً خشک شد، آنرا در پاکت گذاشته، با کامل کردن آدرس فرستنده و گیرنده، آنرا به یکی از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال کنید و از او بخواهید نامه شما را به آدرس رادیو در خارج از کشور بفرستد. توجه کنید هیچگاه مستقیماً با آدرسهای علنی سازمان نگاشته نکنید، زیرا این آدرسها برای رژیم شناخته شده هستند و رژیم براحتی میتواند نامه‌های را که به این آدرسها پست می شوند، تفتیش و بازرسی کند. بجای آدرس فرستنده یک آدرس جعلی اما کامل بنویسید. پس از تهیه نامه، آنرا با رعایت مسائلی که درباره آدرس فرستنده، مقدار صبر لازم و حجم نامه، در بخش ارسال اخبار و گزارشات توده‌ای به صدای فدائی گفتیم، بلافاصله پست کنید. نامه نامرئی نویسی شده راهیگاه برای مدت زمان طولانی نزد خود نگه ندارید، زیرا در صورت ضربه خوردن احتمالی، ویستگیری شما، این نامه با اطلاعاتی که در آن ثبت شده، علیه خود شما بکارگرفته خواهد شد. در فرستادن گزارشات تشکیلاتی، اکیداً توجه داشته باشید، پس از اینکه اولین نامه خود را برای سازمان فرستادید، منتظر شوید تا رسیدن نامه شما از طریق رادیو اعلام شود، سپس با توجه به رهنمودهایی که داده خواهد شد، نامه بعدی خود را پست کنید. در نامه‌هایی که برای ارتباط گیری با سازمان میفرستید، یک کد مشخص، با اسم

رمز انتخاب کرده برای ما بفرستید تا از آن پس پیامها با آن اسم رمز، یا کد مشخص برایتان فرستاده شود.

۳- چهارمین وظیفه درونی هسته هواداران جمع آوری کمک مالی برای سازمان و ارسال آن به تشکیلات است. کمکهای مالی را نمیتوانید در صورت دراختیار نداشتن کانتالهای مطمئن، به همان طریقی که برای ارسال نامه‌هایشان اقدام می کنید، آنرا برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور بفرستید. از آنجا بخواهید کمک مالی شما راهیگاه به نامکی سازمان در خارج از کشور، واریز نمایند، و رسید آنرا به آدرس رادیو بفرستید.

ب؛ وظیفه بیرونی هسته‌های هواداران؛ وظیفه بیرونی هسته هواداران است. در خدمت امر میباید تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبارزات پرولتاریاست. تبلیغ در بین کارگران، ارتباط لینکنی با ترویج دارد. اما در شرایط فعلی، بطور کلی تبلیغ ایده‌های سوسیالیستی و دمکراتیک از اهمیت بیشتری نسبت به ترویج برخوردار بوده و تاخیر آن در ارتقاء آگاهی کارگران و مبارزات آنها بر اساس ترویج بیشتر است.

اما این معنای نقش فرعی دادن به ترویج نیست، همانگونه که گفتیم، تبلیغ و ترویج ارتباط لینکنی با یکدیگر دارند. ترویج سوسیالیستی در میان کارگران یعنی ترویج اصول سوسیالیسم علمی، اشنایان به مفهوم صحیح نظام اجتماعی - اقتصادی معاصر و مبانی و تکامل این رژیم، اشنایان به مفهوم صحیح نقش و موقعیت طبقات مختلف جامعه، روابط متقابل این طبقات، مبارزه آنها با یکدیگر، درباره نقش طبقه کارگر در این مبارزه و روش آن نسبت به این طبقات، نسبت به سرمایه داری و اشنایان به مفهوم صحیح وظیفه ملی و بین المللی طبقه کارگر ایران.

تبلیغ سوسیالیستی، یعنی شرکت فعال در مبارزات خودبخودی طبقه کارگر، آمیختن فعالیت خود با مسائل ملی و روزمره زندگی کارگران، بالابردن روحیه همبستگی کارگران، چاپ و ترویج نشریات و اعلامیه‌های تبلیغی. اما تبلیغ و ترویج سوسیالیسم، در بین کارگران در پیوند ناگستنی با تبلیغ و ترویج دمکراتیک در بین آنان قرار دارد، و باید با هم همپیش برده شود، ترویج ایده‌های دمکراتیک به معنای اشنایان به مفهوم حاکمیت فعلی و شام صور فعالیت آن است.

شناختن مفهومی طبقاتی این حاکمیت، لزوم سرنگون ساختن آن و مفاها اینکجه بدون سرنگونی این رژیم بدون ایجاد دمکراسی و آزادی سیاسی، آزادی خام و تمام طبقه کارگر از بویغ استعمار ممکن نیست.

تبلیغ دمکراتیک یعنی تبلیغ بر زمینه مسائل سیاسی فوری و مبرم کارگران و دیگر اقشار زحمتکش، تبلیغ بر فد جو سرکوب و عقان حاکم بر کارخانه ها، تبلیغ بر فد تشعبات و تشکیلات پلیسی، معدومیت حقوق کارگران، تبلیغ دمکراتیک یعنی تبلیغ روی مسائل و مشکلات به شمار امروز کارگران و زحمتکشان یعنی جنگ، اختناق جو سرکوب و...

بنا بر این، وظیفه بیرونی هسته‌های هواداران، مبارزات از تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دمکراتیک در میان کارگران، و شیوا سازماندهی مبارزه طبقه کارگر، در هر دو شکل سوسیالیستی و دمکراتیک آن است. اما مبارزه سوسیالیستی کارگران به چه مناسبت و چه ارتباطی با مبارزه دمکراتیک دارد؟ مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر یعنی مبارزه این طبقه بر فد طبقه سرمایه دار، یعنی مبارزه ای که هدفش انهدام نظام طبقاتی و ایجاد جامعه سوسیالیستی یعنی آزادی ساختن کار مزدوری برادارختن مالکیت خصوصی و برادارختن اختصار فرد از فرد است. طبقه کارگر در مبارزه سوسیالیستی خود تنهاست زیرا تمامی اقشار و طبقات دیگر جامعه، هر یک به نحوی خواستار اینکجه مالکیت خصوصی هستند.

مبارزه دمکراتیک طبقه کارگر، یعنی مبارزه بر فد رژیم جمهوری اسلامی مبارزه برای بخت آوردن آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک و ایجاد یک رژیم دمکراتیک است. در این مبارزه اگرچه طبقه کارگر به این دلیل که برای هدفی فراخر از دمکراسی یعنی برای برادارختن سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم مبارزه می کند، به یکدیگرترین طبقه در مبارزه برای دمکراسی است، اما از آنجا که اقشار و طبقات دیگر جامعه نیز، تحت فشار دیکتاتوری و اختناق و تشعبات پلیسی رژیم قرار دارند، خواستار دمکراسی هستند و در پیوست آوردن آزادیهای سیاسی نمیکنند.

نکته‌ای که باید کاملاً به آن توجه داشت، این مسئله است که مبارزه سوسیالیستی و دمکراتیک طبقه کارگر دو چیز لینکنک یکدیگرند، و باید به سوازات یکدیگر پیش برده شوند. هواداران سازمانها متوجه که باید در تمام مبارزات

رهنمود به هواداران

خودمختاری طبقه کارگر و تصادماتیکه کارگران با سرمایه داران پیدا میکنند شرکت کنند، همانگونه نیز باید در مبارزات دمکراتیک کارگران شرکت کنند، سیاستهای فئودالیسم دمکراتیک رژیم جمهوری اسلامی، لزوم سرنگون ساختن آنها مطرح کنند.

هسته های هوادار بسته به اینکه در محل زندگی یا محل کار تشکیل شوند، وظایفی را که در بالا به آن اشاره کردیم اگر چه این وظایف در مضمون برای همه هسته ها یکسان است به طرق متفاوتی به پیش می آورند.

۱- اگر هسته در کارخانه تشکیل میشود، رفقای هوادار بدون اینکه کسی از ارتباط آنان با یکدیگر بمنزله بتواند یک هسته هوادار اطلاع پیدا کند، باید در مبارزات کارگری فعالانه شرکت کنند. اعتراضات آنان را ست و سو دهند و با شرکت فعال در اعتراضات و اعتصابات، سعی کنند مبارزه کارگران را سازماندهی و رهبری کنند. رفقای هوادار در کارخانه ها باید در هر حرکت مبارزاتی کارگران فعالانه شرکت کنند، و وسیله دست به تبلیغ شما را، برنامه و مواضع سازمان بزنند. اما برای تبلیغ و احاطه رهنمود نباید به انتظار بروزیک اعتصاب کارگری نشست. توده های کارگر حتی زمانی که دست به مبارزه نمی زنند، معترض و ناراحتند، خواستها و مطالبات شخصی دارند و قادر به جلب شمارها و رهنمودهایی برای مبارزه عملی نمیشوند میباشند، باید ماهیت نظام سرمایه داری و رژیم حاکم، ماهیت مدیریت و انجمنهای اسلامی و هدف رژیم از ایجاد دشواریهای فرمایشی اسلامی کار را برای کارگران توضیح داد. و به آنها گفت که این شوراها فرمایشی نمیتوانند از منافع کارگران دفاع کنند. کارگران برای اینکه بتوانند به خواستهای خود برسند، باید تشکلهای خاصی خود را داشته باشند. بایست در کمیته های کارخانه متشکل شوند. رفقای هوادار در کارخانه ها باید در همین شرکت در مبارزات کارگران و پیشبرد فعالانه امر تبلیغ به این نکته توجه داشته باشند، تبلیغات سیاسی صرفاً زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که در خدمت سازماندهی کارگران قرار گیرد. سازماندهی کارگران و شرکت در مبارزات جاری آنان، اساساً دو وجه جدانشدنی و لازم و ملزوم یکدیگرند بدون تشکیلات و سازماندهی، فعالان در

مبارزات و اعتراضات کارگران، مقدور نیست و هرگامی که رفقای ما در گسترش ارتباط خویش با کارگران بر میدارند و به سازماندهی مبارزه آنها میپردازند، ما را بطور واقعی گامها به تامین این رهبری و تقویت و گسترش مبارزات اعتراضی کارگری نزدیک میکنند. فقط در اینصورت است که میتوان در همین شرکت در مبارزات کارگران، به حرکات آنان، برخوردی انتقادی کرد، ضعفها و نارسائیهما را شناخت، شمارها را تصحیح کرد و این تجارت را در مبارزات بعدی بکار گرفت. پس رفقای هوادار امر تبلیغ در بین کارگران و شرکت در مبارزات آنان را باید بصورت وجهی جدا ناشدنی از سازماندهی کارگران در نظر بگیرند. در هر حرکت اعتراضی، کارگران پیشرو و آگاه هسته منافع طبقاتی خود که قابلیت جذب به هسته ها را داشته باشند، براحتی قابل شناسایی هستند.

رفقای هوادار، برای جذب کارگران و گسترش هسته های هوادار، در وهله اول باید توجه خود را معطوف به کارگران پیشرو و مبارزه کارگرانی که صاحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران هستند و آمادگی بیشتری برای جذب ایده های کمونیستی دارند، معطوف کنند، با آنان ارتباط نزدیکی برقرار کنند و طی یک پروسه، ضرورت ایجاد هسته های کارخانه را به آنها توضیح دهند و به محض تشکیل این هسته ها، ارتباط آنها را با سازمان وصل کنند.

رفقای هوادار که در کارخانه ها هسته تشکیل داده اند، برای حفظ ادامه کاری خود چند نکته را باید در نظر بگیرند. رفقا باید حتی الامکان در شرایط کنونی از بخش منظم اعلامیه و نشریات سازمان در درون کارخانه خودداری کنند و با بکارگیری ابتکار و خلاقیت خود، اشکال متنوعی را برای توزیع نشریات و اعلامیه ها و پیشبرد امر تبلیغ و ترویج در میان کارگران بیاورند. در تبلیغ افشای بین کارگران، مسائل امنیتی را حفظ کنند، در بحث ها بدون اینکه موقع سازمانی خود را مشخص کنند، با علنا از سازمان دفاع نکنند، از مسائل و مشکلات بی شمار کارگران صحبت را شروع نکنند. این حرکت آگاهانه باعث میشود جاسوسان و مزدوران رژیم قادر به شناسایی آنها نشوند و ادامه کاری رفقا تضمین گردد.

رفقای هوادار برای اینکه قادر باشند امر تبلیغ و ترویج را در میان کارگران بخوبی پیش ببرند، لازم است بر مواضع

سازمان مسلط باشند. رفقا باید طرح برنامه سازمان را مطالعه کنند، برنامه های رادیو و امرتبا و بطور دقیق گوش کنند و هر سؤال و نکته مبهمی که برایشان باقی است، در مکاتبه با سازمان مطرح کنند.

آنچه بسیار مهم است، رفقا باید سعی کنند در جریان تمام مسائل کارگران و اتفاقاتی که در کارخانه می افتد، قرار داشته باشند، زمینه های حرکت اعتراضی کارگران و امکان شکل گرفتن اعتراضی اعتبار را بررسی کنند و با گزارشات مداوم خود، سازمان را در جریان مسائل کارگران کارخانه ای که در آن کار میکنند، قرار دهند.

۲- در صورتیکه هسته در سر با خانه تشکیل شده است، رفقای هوادار بایست سر بازان و دیگر پرسنل سر با خانه را به نقش سرکوبگر ارتش و ماهیت ارتجاعی جنگ رژیم جمهوری اسلامی آگاه کنند. به آنان توضیح دهند که این جنگ ارتجاعی تنها در خدمت منافع سرمایه داران و امپریالیست ها است و جز کشتار و قتل و تهاجم ارتش برای زمینگشان در بر نخواهد داشت. شمارهای سازمان برای پایان دادن به جنگ ارتجاعی را به سر بازان ببرد و به آنان توضیح دهند که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ تبدیل آن به جنگ داخلی علیه رژیم است. رفقای هوادار برای پیشبرد امر تبلیغ در بین سر بازان، بخصوص میتوانند بر تجارب قیام بهمن و اقدام انقلابی سر بازان و پرسنل نیروی هوایی در پیوستن به صفوف توده ها، تکیه کنند، چرا که تجربه، خود بهترین آموزگار توده ها است.

رفقای هوادار سازمان در سر با خانه ها باید با شناسایی سر بازان و پرسنل آگاه و مبارزه، هسته های از سر بازان ایجاد کنند و با کار آگاه گران خود در میان آنان زمینه ایجاد یک اعتراضی سازمان یافته گسترده را علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی در بین سر بازان ایجاد کنند.

۳- اگر هسته در محلات تشکیل شده است مهمترین وظیفه آن سازمان دادن صحیح شمارنویسی، بخش اعلامیه و نشریات و شرکت فعال در اعتراضات توده ای است. رفقای هوادار باید با آگاهی به این وظیفه اساسی خود، برنامه ریزی صحیح و دقیقی در حد امکانات خود در این زمینه انجام دهند، و در حد توانشان کار ضبط و پیاده کردن مطالب رادیو بشماره



رهنمود به هواداران

نویسی، تهیه تراکت و اعلامیه از سوازه برنامه و شمارهای اصلی سازمان، حتی بصورت دستنویس و بخش آنها در محصل زندگی کارگران و زمینکنان را با انجام تقسیم کار بین اعضا هست، پیش برید و مداوما گزارش فعالیت خود را برای سازمان ارسال دارند.

هفته‌های محلات برای پیشبرد وظایف خود، باید این نکته‌ها را رعایت کنند:

- ۱- برای شروع کار لازم نیست فروروستا امکانات بپیچید و گسترده‌ای در اختیار داشته باشید، اراده انقلابی چند رفیق هوادار، و درک ضرورت و اهمیت وظایف هفته‌های محلی کافی است. برای شروع کار در اختیار داشتن یک رادیو - ضبط برای شنیدن و ضبط کردن مطالب رادیو و یک خودکار و کافز برای پیاده کردن مطالب آن کافی است، می‌توان در شروع کار، مطالب را بصورت دستنویس تهیه و برای بخش آن اقدام کرد. در تداوم حرکت هست، می‌توانید از دستگاساه دست‌ساز تهیه پلی‌کپی که حجم کمی دارد و درموردی که با آن کار نمی‌کنید بسا باز کردن چهار چوبه آن می‌توانید بدون اینکه وجودش مسئله امنیتی ایجاد کند، آنرا در کنار دیگر اشیاء هادی خانه قرار دهید، استفاده کنید. (ما طرز تهیه دستگاساه پلی‌کپی را در پایان این مقاله برایتان چاپ کرده‌ایم.)

۲- رفقا برای فعالیت خود و جلوگیری از بوجود آمدن مسائل امنیتی، باید پوشش امنیتی مناسبی را برای حفظ ادامه کاری هفته انتخاب کنند، بطور مثال زندگی در پوشش یک خانواده، شرایط بسیار مناسبی برای فعالیت رفقای هفته بوجود می‌آورد و باعث می‌شود که فعالیت و رفت و آمد آسان، کمتر جلب نظر کند.

۳- در شرایط فعلی، بهترین شیوه بخش نشریات و اعلامیه‌ها، که کمترین امکان ضربه پذیری را دارد، استفاده از پوست است، اما نباید بخش نشریات را به این شیوه منحصر کرد، در کنار استفاده از پوست برای بخش نشریات رفقا می‌توانند بسته به شرایط و امکانات خود شیوه‌های دیگری را نیز بکار گیرند.

در استفاده از پوست برای رساندن نشریات بدست‌توده‌ها، باید چند مسئله را در نظر گرفت:

الف) امر بخش نشریات از طریق پوست

باید مرتباً صورت‌گیری، آدرس خانه‌ها کارگران و زمینکنان را به تعدادی که امکانات شما اجازه ارسال منظم و مداوم نشریات به آنها را میدهد، مثلا ۱۰۰،۵۰۰ و... آدرس انتخاب کنید و مرتباً به فواصل زمانی مشخص، اعلامیه، تراکت یا نشریات بازمائی را بوسیله پوست به این آدرسها بفرستید.

ب) خامه حاوی اعلامیه یا نشریه را هر بار از مناطق مختلف پستی ارسال دارید، آدرس فرستنده یک آدرس جعلی اما کامل باشد و ضمیر روی پاکت، با شماره مسئول برای پست شهری باشد و حجم نامه از حجم یک نامه معمولی بیشتر نباشد.

ج) در شهرها یا مناطقی که کوچک هستند، برای اینکه بالا رفتن حجم پوست شهری، در مأموران رژیم ایجاد سوءظن نکند، می‌توانید به مناطق اطراف رفته، و نامه‌ها را از آنجا پست کنید.

د) در هر پاکت، با دقت با گذاشتن ضمن نوشتن ساعات پخش و طول موجهای رادیو صدای فدائی، به ساکنین خانه توضیح دهید، این یکی از هزاران خانه‌ای است که بطور اتفاقی به آن نشریه ارسال می‌شود و از گیرنده نامه بخوابید، پس از خواندن نشریه با اعلامیه، آژانس بسین نبرد و در اختیار دوستان و آشنایان خود قرار دهد، ضمناً در روی پاکت آدرس گیرنده را می‌نویسید، از نوشتن نام ساکنین خانه، خودداری کنید. در این مورد میتوان از عباراتی چون "خدمت دخترخاله عزیزم" یا "پسر گرامیم" و... استفاده کرد.

ه) هفته‌های هوادار محلی علاوه بر استفاده از شیوه‌های گوناگون از جمله پست کردن برای بخش نشریات، باید شعارنویسی منظم در محلات، و اماکن عمومی از قبیل اتوبوسها، کیوسکهای تلفن عمومی و... را در دستور کار خود قرار دهند. طول موج و ساعات پخش برنامه‌های رادیو صدای فدائی، بندهای برنامه سازمان، شمارهای سازمان برای خامه بخشیدن به جنگ و بهبود بخشیدن به زندگی توده‌ها را بر در و دیوار محلات و اماکن عمومی بنویسند. توجه کنید برای اینکه شمارنویسی شما برد بیشتری داشته باشد، شمارها را کوتاه و به زبان ساده بنویسید، بطور مثال بجای شمارهای برقراری طبعی همگراشیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم که در زیر صفحات نشریه کارنوشته میشود می‌توانید به زبان ساده بنویسید: "سرگ

بر جنگ ارتجاعی، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" یا در کارخانه می‌توانید بنویسید: "در کمیته‌های کارخانه مشکل تویم". رفقای هوادار را در صورت انجام دقیق و مداوم امر توزیع نشریات و شمار نویسی، می‌توانید مطمئن باشید که این امر در تداوم خود، شبکه وسیعی از نیروهای سمیات را بوجود می‌آورد، که شمارهای سازمان و برنامه ما در میان آنها بوسیله جا افتاده و در لحظه بروز اعتراضات وسیع خواهد بود، در ظاهرات و اعتراضات گیرنده آتی، میتوان روی این شبکه حساب کرد.

رفقا! در دوران انقلابی کنونی، ضروری است تمام انرژی‌تان را در راه پیشبرد امر تبلیغ و ترویج حول برنامه و شمارهای انقلابی سازمان، شرکت در مبارزات کارگران و زمینکنان و مشکل کردن آنان، بکارگیرید. پس از خرده‌کاری بکارگیرید. در هفته‌های هوادار مشکل شود، با عزم آهنین و اراده پولادین، در مقابل مزدوران و عوامل سرکوب‌شماری خود را حفظ کنید، و با کاربست دقیق رهنمودهای ارائه شده امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبارزه طبقاتی کارگران را پیش ببرید.

طرز ساختن دستگاساه چاپ دستی و چگونه تکثیر با آن

تکثیر بوسیله چهار چوب دستی، شیوه ساده‌ای است که در عین سادگی و قایل - استفاده بودن برای عموم رفقا، از کیفیت و بازدهی نسبتاً خوبی برخوردار است. تهیه چهار چوب مخارج بسیار کمی دارد و استفاده از آن نیاز به هیچگونه تخصصی ندارد.

تکثیر با چهار چوب معمولاً توسط دو نفر انجام میگردد اما بکنفر نیز میتوانیم تنهایی این کار را انجام دهد. در صورت تمرین قادر خواهید بود تیراژی بسین باند تا هشتصد صفحه در ساعت چاپ و تکثیر نمایید.

وسایل مورد نیاز برای تکثیر بوسیله چهارچوب دستی به شرح زیر هستند:

الف- لوازم مورد نیاز ساختن چهارچوب دستی: ۱- چهار چوب: چهارچوب تکثیر را براحتی و با حداقل مخارج میتوان تهیه نمود. چهارچوب تکثیر از دو قطعه فلز ساخته تشکیل شده که بوسیله لولا بیکدیگر متصل می‌شوند و مانند باز و بسته شدن کتابچه با درب نسبت به هم عمل می‌کنند. قطعه اول یک صفحه صاف از کاغذ یا فلز است که بهترین است از جنس ششپایان باشد. این صفحه



سال ۶۲ رقمی حدود ۲ میلیارد دلار بود در سال ۶۳ به ۲/۲ میلیارد دلار تقلیل یافت. این تقلیل در حالی صورت پذیرفت که حداقل ارز موزنتناز این بخش از صنایع یالانه حدود ۲ میلیارد دلار می باشد. عدم تامین ارز مورد نیاز صنایع گسترده به واردات مواد اولیه، وانچه ای وامشین آلات وابسته اند، بیانگر رکود در این بخش می باشد. تقلیل میزان ارز مورد نیاز بر دامنه رکود در بخش صنایع افزوده است.

رکن دوم درآمدهای دولت بخش مالیاتها و عوارض و ویزگی بوده و همت. اولاً میزان درآمدهای مالیاتی پیش بینی شده قابل وصول نخواهد بود. لذا میزان کمبود وصولی مستقیماً بر میزان گسری بودجه دولت است افزوده شده است، که خود اثرات تفرسی داشته است. ثانیه وصول مالیاتها نسبت به پیش بینی بودجه، خرابی داده شده. درآمدهای مالیاتی مورد نیاز، نبوده بلکه نسبت به نسبت و ترکیب مالیاتها، به کوتاهی بوده و همت که فشار آن مستقیماً و بلافاصله بر وضعیت معیشتی کارگران و روستاها منتقل گردیده است. مالیاتهای غیر مستقیم که بخش عمده از درآمدهای مالیاتی را تشکیل میدهد، مستقیماً بر قیمت کالاها منتقل می شود. اما مالیاتهای مستقیم نیز به گونه ای بوده و همت که فقط مالیاتهای مستقیم کارگران و کارمندان قابلیت تحقق داشته است. سایر اقلام مالیات بر درآمد اولاً میزانش غیر قابل تحقق بوده است. بعنوان مثال در حالیکه در سال ۶۳ از مشاغل فقط ۲۲ میلیارد ریال مالیات گرفته شد از کارگران و کارمندان ۵۹ میلیارد ریال مالیات وصول شد. ثانیه نحوه وصول این بخش از مالیاتها که بر اساس فراقی ثابت وصول شده است، عملکرد همتند مالیاتهای غیر مستقیم داشته است بطوریکه نحوه وصول مالیات بر درآمد بگونه ای بوده که با مستقیماً بر قیمت کالاها منتقل شده است و با محدود کردن حوزه عمل پاره ای از مشاغل خرده با، به گسترش بازار سیاه دامن زده است. در همین مورد رکبسی اتحادیه مصنوعات نفت-سوز می گوید: "اتحادیه موفق شده است واحدهای نفتی خود را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل ماهیانه ۵۰ هزار ریال

ترازنامه ورشکستگی

ادمان بکننده و با نکننده. آمارهای رسمی رژیم نیز با وجود تمام دستکاریها و تعدیلهای مملکت گریانه نشانگر عقب بران و عملکرد دولت طی چهار سال گذشته است. عملکرد بودجه دولت که متعین کننده مستقیم ترین عملکرد اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی است خود بیانگر ناخوانسی رژیم در تحصیل عمران اقتصادی می باشد. طی چهار سال گذشته، خوانسی بسود و غیر قابل پیش بینی بودن درآمدهای دولت که بطور متوسط پیش از انقلاب از طریق درآمدهای نفتی و مالیاتی تامین شده است، نیروی بودنی و با درهائی سیاستهای اقتصادی دولت و عملکرد آن را روشن می سازد. جوسری سال گذشته به هنگام دفاع از بودجه بود ۶۲ به منظور تهیه "بازرسیهای بر پایه دولت به مبلغ عدم تحقق درآمدها و از جمله درآمدهای نفتی اشاره کرد و گفت: "در دو سال گذشته، با وجود وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی، تحقق درآمدهای دولت به فراز و نشیبهای مربوط به اوضاع سیاسی اثر گذار بر بخش حرکت نفت گشته در سطح فارس و بazar نفت میبکشی داشته و بازار نفت آهسته آهسته وضع را در دو سال گذشته مستقیم به خود دیده است. بطوریکه امکان صدور نفت ما در هر روز بین ۲۰۰ هزار بشکنه تا ۳ میلیون بشکنه در خوان بوده است". این نشان موسوی مربوط به دوره است که هنوز میزان تا نسبت نفتی جزیره خارک نیز شروع نشده بود. اما با توجه به اثرات این بسیاریها بعنوان عنصر گسترش نوسانات ما در ذات نفت و عدم تحقق میزان پیش بینی شده درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت می بود. بر اساس آمارهای رسمی رژیم، طی سالهای ۵۹-۶۱ میزان درآمدهای ارزی نفتی بطور متوسط فقط ۵۶٪ میزان پیش بینی شده بوده است. با توجه به اینکه این رقم مربوط به دوره قبل از جنگ نفت گشته است، می توان وضعیت و حجم درآمدهای ارزی را در شرایط کنونی که ما را حس زد و اثرات آنرا بر کل اقتصاد سنجید. بعنوان مثال در حالیکه تلف اعتبارات ارزی کارخانجات کشور که از محل درآمدهای نفتی تامین می شود در

هیچ سیاست اقتصادی مشخصی باشد، چه آنکه برنامه های بلند مدت و میان مدت داشته باشد. بران حکومت نیز مواضعی گسترده و با اهدافی خاص می شود و به اهدافی سیاسی و بی برنامه ریزی اشاره کرده اند. ذکر گوشه هایی از این ناخوانسی آنها از زبان بانکی که خود برنامه ریز بلند مدت و میان مدت کابینه بوده است، به خوبی معنی درماتنگی رژیم را در تبدیل بحران و اشکاف سیاسی مشخص نشان میدهد. بانکی می گوید: "ما الان نمیدانیم کشورهای توسعه اقتصادی وجهت های آسانی چیست. مسأله هنوز در مورد دامنه فعالیت بخش خصوصی و دولتی هنوز به یک جمع بندی نرسیده... اگر هم بگویم وزارتخانه های یک پیش نهادی داده و در جایش یک کاری کرده است معلوم نیست در نهایت بینسی باشد شورای نگهبان که می رود به نتیجه برسد... فرض کنیم ما تصمیم سیاستها و اهرمهای را که بتوانیم این سیاستها را اعمال کنیم چیست یا اشاره این اهرمها میسورد قبول مسئولین قرار میگیرد و می توانیم استفاده کنیم و اعمال کنیم یا سیاستهای اصلی مان صاف راست" (کیهان ۶۲/۲/۱). حال تصمیم برخی از مسائل که بانکی از آنها بعنوان مشکلات

اقتصادی نام می برد به شرحی می گوید: "سالهای که ما الان سخت دست به گریبان آن هستیم و واقعاً خیلی مشکل داریم این نظام بانکی است. مسأله دیگر این است که قسط اسلامی، عدالت اسلامی و توزیع چیست. سالهای که سخت درگیر آن هستیم و بخوانستیم چیزی که مورد قبول است تهیه کنیم مسأله توزیع کالا در مملکت است" وی از این نوع مشکلات در عین حال تورم، صنایع و مالیاتها و غیره را نیز بر می شمارد و ادمان میکند که "مملکتهما نشان داده که این ناخوانسیها بیشتر از اندازه ای است که ما فکر میکردیم. و نهایتاً خیلی از مسائلی که در سال ۶۰ داشتیم هنوز که هنوزها پاره ای است و جواب مشخصی داده نشده است".

نمایند این اظهارات بانکی و توسط نخست وزیر در مجلس به هنگام معرفی کابینه، ماهیت عملکرد اتحادیه های صنعتی و زراعتی را بیشتر آشکار می کند. البته بران موجود و ایجاد آن بر گسی پوشیده نیست. چه بران حکومت به آن

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

ترازنامه ورشکستگی

فربه به ۲۸٪ کسر بودجه از طریق اعتبارات بانکی تامین گردیده است. می توان بر نقش خورم زایش بودجه پی برد.

یکی از دلایل اصلی افزایش نقدینگی طی سالهای گذشته، تراکم کسر بودجه دولت بوده است. بطوریکه طی سالهای ۶۲ تا ۶۵، میزان نقدینگی ۲۲۸٪ افزایش داشته است. این میزان افزایش نقدینگی با کاهش میزان ۲۲٪ در تولید ناخالص داخلی همزمان بوده است. این دو رقم خود به تنهایی ابعاد بحران رکود-تورمی موجود را آشکار می سازد. با این وجود هر چند، کاهش تولید ناخالص داخلی ملایمتری در همین درجه بحران اقتصادی است، اما ابعاد و عاقبت بار وضعیت اقتصادی زمانی بیشتر آشکار می شود که سهم بخشهای اصلی اقتصاد در تولید ناخالص داخلی نیز بحساب آید. براساس آمارهای دولتی، سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی طی مدت مورد بحث به شدت رو به افزایش بوده است. بعنوان مثال در سال ۶۱، سهم بخش خدمات به ۳۹٪ افزایش یافته است. تولید ناخالص داخلی در سال ۶۲ نیز در حدود همین میزان باقی ماند. سهم بسیار بالایی بخش خدمات نشانگر رکود در بخش صنایع و حاکمیت اقتصاد دلالی بر جامعه بوده است. سیاستهای اقتصادی دولت در جهت "تبدیل بحران" که عملاً به بحران دامن زده، بر ابعاد خورم و رکود افزوده و دامنه بیکاری را بویژه در بخش اشتغال مولد گسترش داده، فقط مربوط به سیاستهای پولی و مالیاتی نبوده بلکه مربوط به ترکیب هزینه های دولت نیز بوده است.

طی این مدت مرتباً از هزینه های عمرانی کاسته شده و به هزینه های جاری اسیزود گردیده است. هر چند اکثر هزینه های عمرانی رژیم نیز در چارچوب هزینه های جاری قرار دارد، لیکن حتی براساس تقسیم بندی رسمی موجود نیز می توانیم راضی عملکرد دولت را درک کرده. نسبت هزینه های عمرانی به هزینه های جاری که در سال ۵۸ برابر با ۲۸٪ بود، در سال ۶۲ به ۲۴٪ و در سال ۶۳ به ۲۰٪ کاهش یافته است. در سال ۶۲ نیز در حالی که ۸۰ میلیارد ریال از هزینه های عمرانی کاسته شده به حدود ۷۸ میلیارد ریال به هزینه های جاری افزوده گردیده است. البته این نسبتها و ارقام فقط میزان مصوب هزینه های عمرانی

در آمد برای آنان قائل شده است. در حالیکه بیش از ده هزار ریال به دولت مالیات و عوارض شهرداری می پردازند و خواه ناخواه اگر این روند ادامه پیدا کند اعضای این صنف ناگزیرند برای امرار معاش به بازار سیاه روی آورند (کیهان ۲۹ آبان ۶۲). سیستم اغتشاش مالیات بر اساس فراشب ثابت که در فوق به آن اشاره شد، هر چند از لحاظ رسمی در حیطه مالیاتهای مستقیم می گنجد، اما عملاً نقش و عملکرد مالیاتهای غیرمستقیم را دارد. نتیجه مستقیم اعمال این سیاست مالیاتی، از یکسو راه گریزی برای سرمایه داران بوده که از پرداخت مالیات خودداری کرده و با مبلغ آنرا به مثابه یکی از اقلام هزینه های خود مصوب کرده و مستقیماً بر قیمت کالاها افزوده اند و از سوی دیگر فشار طاقت فرسایی را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است.

بهر حال، طی این مدت، اولاً قابلیت وصول مالیاتها مشخص نبوده است. مثلاً از میزان مالیات مصوب سال ۶۲ که برابر با ۷۲۰ میلیارد ریال بوده است حدود ۴۸۰ میلیارد ریال وصول گردید. دزمت میزان وصول مالیات در سالهای دیگر نیز در همین حدود بوده است. میزان کسود وصولی مالیات بر میزان کسر بودجه افزوده است و از آنجا که کسر بودجه عمدتاً از طریق سیستم بافگی تامین اعتبار میگردد، لذا اثرات مستقیم تورمی داشته است. ثانیاً سنگینی بار مالیاتهای غیر مستقیم اساساً بر دوش کارگران و زحمتکشان بوده و هر افزایشی در میزان آن، افزایش قیمت را طی چند سال اخیر به دنبال داشته است. و بالاخره اینکه بیشترین میزان مالیاتهای مستقیم را کارگران و کارمندان پرداخته اند و مالیات بر درآمد مشاغل در حقیقت عملکردی همچون مالیاتهای غیر مستقیم داشته است.

طی این مدت، عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده و هزینه های دائم التزاید دستگاه بوروکراتیک - نظامی، میزان کسری بودجه را از میزانی که در بودجه های تصویبی پیش بینی شده بود بسیار فراختر برده است. کسر بودجه مصوب سال ۶۱ که برابر با ۴۰۰ میلیارد ریال تخمین زده میشد، به رقمی در حدود ۹۹۸ میلیارد ریال رسید. سال ۶۲ نیز وضع به همین منوال بوده است. کسر بودجه مصوب این سال که مبلغ ۶۸۰ میلیارد ریال بود، عملاً به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال بالغ گردید. با توجه به اینکه بطور متوسط

را متعکس می کنند. در عمل، طی چندین سال گذشته، در حالیکه در هر سال چندین دلیله هزینه های جاری و عمدتاً هزینه های مربوط به سرکوب ترسیم گردیده است بطور متوسط فقط ۴۸٪ از هزینه های عمرانی جذب شده است.

دستگاههای متعدد سرکوبگر رژیم هر ساله مقدار مشخصی از هزینه های جاری را می بلعد و این امر فقط مربوط به جنگ نبوده بلکه از سیستم بوروکراتیک نظامی رژیم حاکم نیز سرچشمه می گیرد. میزان بودجه این دستگاهها بطور مشخص قابل محاسب نیست، چرا که بسیاری از اقلام بخش نظامی در سایر بخشهای بودجه ادغام شده و پوشانده گردیده است. با این وجود آمارهای رسمی حاخوردی شامی عمومی از این بخش را می تواند تصویر کند. هزینه های نظامی که در سال ۵۹ برابر با ۶۲۰ میلیارد ریال بود، در سالهای ۶۲ و ۶۳ به ترتیب به ۱۲۱۱ و ۱۳۰۴ میلیارد ریال افزایش یافت. نسبت هزینه های نظامی به کل هزینه های جاری در سال ۶۲ و ۶۳ به ترتیب بالغ بر ۴۸٪ و ۳۲۸/۵٪ شد. میزان بالای هزینه های نظامی و سهم مرتباً کاهش یافته هزینه های عمرانی چسبزی نیست جز بیان افزایش بطنی گری رژیم، با افزایش اشتغال غیر مولد، همراه با کاهش اشتغال مولد و محدود شدن امکانات بخشهای مولد اقتصاد.

بدین ترتیب طی این مدت، مجموعه عملکرد دولت مستقیم و غیر مستقیم در جهت افزایش بحران بوده است. هر سیاست اقتصادی که در جهت "تبدیل بحران" تدوین شده، در عمل به ضد خود تبدیل گردیده و در خدمت تداوم بحران در آمده است. در حقیقت آنچه که عملاً جریسان داشته فقدان سیاست اقتصادی مشخص بوده است. سیاستهای مختلف اقتصادی جناحهای حکومتی یکدیگر را غنشی کرده و آنچه که عملاً جریان داشته است هرچ و مرجع اقتصادی بوده است. بر بستر بحران انقلابی که زمینه هرگونه تشبیتی را از رژیم گرفته است، این تنها تلاشی سیاستهای اقتصادی جناحهای گوناگون نیست که بر آینه شدن به هرچ و مرجع می انجامد، بلکه بر بستر بحران و هرچ و مرجع حتی جریانه های مشخصی درون هیات حاکمه نیز ملزم به پیشبرد سیاستهای متناقضند.

از این رو تراز نامه چهارساله گذشته نه فقط مربوط به کامیته که تراز نامه رژیم جمهوری اسلامی است، ساله بر سر



سالگرد انقلاب کمپیر ...

پرولتاریا و سازمانهای فکری و گذراندن یک دوره مبارزه سخت و پرفراز و نشیب و هم به لحاظ پیوستگی و از هم پاشیدگی حکومت تزاری ، شرایط سرعت بطرف یک موقعیت انقلابی به پیش میرفت . اتخاذ مناسبترین تاکتیکها در جریان جنگ امپریالیستی یعنی طرح شمار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی از سوی حزب پرولتاریا یعنی حزب بلشویک و پذیرش آن از سوی توده‌های میلیونی و روی آوری توده‌ها به قسام سراسری ، انقلاب نوری را بشمار رساند و علیرغم آنچه شورانگیزگی و روحیه مبارزاتی توده‌ها ، پرولتاریای روسیه نتوانست قدرت را بدست گیرد و قدرت حاکمه بدست بورژوازی افتاد ، زیرا هنوز نفوذ گرایشات بورژوازی و خرده بورژوازی در صفوف پرولتاریا ، بسیاری از شرافهای کارگری را به تمکین به رهبری نوروژوازی واداشتند اگر انقلاب اول روسیه ، غرافسات دوران نشوونالی را از ذهن توده‌ها زدود ، انقلاب دوم پرولتاریای روسیه را آیدیده تر کرد ، ماهیت ارتجاعی بورژوازی را به بهترین وجه به طبقه کارگر و محسوس توده‌های مردم شناساند ، گرایشات خرده بورژوازی را از صفوف پرولتاریا تغلبه کرد و رسالت این طبقه تازه آخر انقلابی و نقش دورانش از تراز بهینه نشان داد و ثابت گردید که هرگاه بورژوازی در امپریالیسم در راس قدرت حاکمه قرار گیرد ، رسالتی جز حفظ و حراست از ارگانهای بورژوازی و ماشین دولتی کینه ارتش و بوروکراسی و ندارد و قادر نیست هیچ گام عملی در جهت منافع توده‌ها بردارد .

طبقه کارگر روسیه با پشت سرگذاردن دو انقلاب بیایی و کسب تجارب ارزشمنند در جریان یک مبارزه طبقاتی خاد و همه جانبه و پرفراز و نشیب ، سرانجام انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکثریت را پیروزمندان رهبری کرد و در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ در حالی که تمامی توده‌های ستمدیده را به همراه داشت بورژوازی را از اریکه قدرت بزیر کشید و حکومت شوراهای را برقرار ساخت و دیکتاتور طبقاتی خود را علیه طبقات ستمگرو ارتجاعی برقرار نمود و پایه‌های نظم سوسیالیستی را برپا کرد و نظم کینه و پوسیده سرمایه داری بی افکند . نظمی که اساس آن بر بنی مالکیت خصوصی بروسا ثل تولید ،

بر انداختن استعمار و معو طبقات و تمامی بقایا و رسوبات نظام طبقاتی و ستمگریهای ناشی از جامعه سرمایه داری قرار داد .

انقلاب سوسیالیستی اکثریت را برقراری دیکتاتور پرولتاریا که در حکومت شوراهای متجلی بود ، ثانویه یگانه قدرت دولتی بود که تا آن زمان در تاریخ بجز در کمون پاریس هرگز پدید نیامده بود دولتی که اساساً توسط کارگران و نیمه پرولتاریا تشکیل یافته بود .

حکومت شوراهای برای عموم توده‌ها دموکراسی پرولتری را به ارمغان آورد ، این آن دموکراسی بود که در آن هرگونه برتری مذهبی ، قومی و نژادی بکنی ملغی شد و حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای تحت تسلیم را برسمیت شناخت و گسترده ترین آزادی و دموکراسی را برای توده‌های ستمدیده به ارمغان آورد .

دیکتاتور پرولتاریا با درهم شکستن ارتش و بوروکراسی ، آن تشکیلات حکومتی را بی افکند که قوه مقننه و مجریه در سازمان شورائی دولت متجلی میشد و نزدیکترین پیوند را با توده‌های مردم برقرار ساخت .

اگر کمون پاریس نخستین گام را در راه برقراری دیکتاتور پرولتاریا برداشت ، نظام شوراهای در اتحاد جماهیر شوروی ، بسا استقرار سوسیالیسم ، مهمترین گام عملی را در جهت متعلق ساختن نظام نوینی به پیش گذارد که برای اولین بار در جهان ، طبقات را معو میکرد ، استعمار را برمی چید و تمامی ستمگریهای جوامع طبقاتی را از میان بر میداشت و مسلم بود که چنین اقدامی بدون برقراری دیکتاتور پرولتاریا و ریشه کن ساختن و درهم شکستن مقادومت استعمارگران از طریق برقراری دیکتاتور علیه آنان هیچگاه قابل تحقق نبود . دیکتاتور پرولتاریا آن ابزار است که تاریخ ضرورت آنرا جهت معو طبقات و برقراری سوسیالیسم به اشباح رسانده است . این واقعیت را نه تنها انقلاب اکثریت نشان داد بلکه تمامی انقلابات پس از آن سلاب اکثریت بدون اعمال دیکتاتور طبقه کارگر و زحمتکشترین اقشار جامعه امکان تحقق نیافت است .

انقلاب اکثریت نشان داد که نه تنها دوران بورژوازی و رسالت این طبقه در تحولات اجتماعی بر سر رسیده است بلکه تمامی نهادهای بورژوازی نیز سبزی شده است و عمر نوین یکی از مشخصه‌های سازمان برقراری نهادهای شورائی است و اعمال حاکمیت توده‌ها از طریق چنین نهادهائی قابل تحقق است .

شوراهای در انقلاب اکثریت هر چند بسرای اولین بار بسا به شکل مشخص اعمال دیکتاتور پرولتاریا در این کشور ظهور کرد اما جنبش شورائی در اولین کشور شوراهای محدود نماند و در سراسر جهان جایگاه ویژه‌ای یافت . اگر پرولتاریای روسیه طی دو دهه مبارزه طبقاتی حصاد و بی امان در عرصه‌های مختلف ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی رشد و تکامل یافت و انعکاس این رشد فکری در انقلاب سوسیالیستی پیروزمندان به رهبری حزب بلشویک بسا استقرار سوسیالیسم و اولین حکومت سوسیالیستی در جهان انجاسید ، اما تجارب این انقلاب عظیم بر زمینه شرایط عینی و مشخصی عمر کنونی یعنی امپریالیسم و عمر گذار سرمایه داری به سوسیالیسم ، عمر تلاطمات و انقلابات اجتماعی پرولتاریائی و انطباق آن با ویژگیهای مشخص هر کشوری در سایه گرانقدری را به پرولتاریای جهانی داد . اکنون ۶۸ سال پس از انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکثریت شاهد آنچه که در بسیاری از کشورهای جهان ، پرولتاریا در راس قدرت قرار دارد و سوسیالیسم در بسیاری از کشورهای جهان استقرار یافته است و در بسیاری دیگر از کشورها ، پرولتاریای متشکل و آگاه ، مبارزات بی امان خود را علیه نظم پوسیده و ستمگرا سرمایه داری به پیش میبرد . این واقعات ، یکبار دیگر مهر تاییدی است بر تحلیلهای لنین از مفهوم و مقوم عمر کنونی بعنوان عمر انقلابات پرولتری و عمر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم .

تراز نامه ورشکستگی ...

کابینه موسوی نیست . کابینه موسوی با ولایتی با سر تسلیم و با هر کابینه دیگری همگرایی جز این نمی توانست داشته باشد ساله بر سر کلیت رژیم است . ساله این است که تنها با سرگونی جمهوری اسلامی راه بر حل بحران باز می شود و تنها حکومت کارگران و زحمتکشان میتواند بحران را در جهت پایان بخشیدن به فقر و سبه روزی توده‌ها حل کند ■

آرزوهای سیاسی از وضعیت ...

اجتماعی که به جنبش "موم خلقی" نامیده می‌شود و خود رادیکالیتهای سیاسی بازتولید می‌کند، از جمله عواملی بودند که بر استقلال نسبی نیروهای سیاسی نسبت به طبقاتی که آنرا نمایندگی می‌کردند (و بسا حتی می‌توان گفت نسبت به طبقاتی که گرایش به نمایندگی داشتند) می‌انگیزد. البته این شرایط اجتماعی هر چند گویا نیروهای سیاسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی برخی از نمایندگان سیاسی بورژوازی را نیز با پوشش "موم خلقی" می‌سازد، کارزار طبقاتی وارد می‌کند، ولی تاثیر این شرایط اجتماعی بر استقلال نسبی (و حتی نامرئی نسبی) نمایندگان سیاسی پرولتاریا و گروه بورژوازی شدیدتر بود. علاوه بر این، انطباق نیروهای سیاسی بورژوازی بر طبقه‌شان به علت رسالتی که بر عهده دارند مستقیم تر و منجم تر بوده است. این امر نه فقط از این لحاظ است که بورژوازی بر منافع خود آگاهتر از پارتیزان نیروهای اجتماعی بوده است، بلکه از این نظر نیز می‌باشد که اساسا نمایندگان سیاسی که باید حافظ منافع آتی و آنسی طبقه خود باشند، به نمایندگی نیایند بورژوازی موقعیت مناسبتی می‌بخشند. منافع آتی و آنسی بورژوازی در یک دوره مشخص تاریخی بهم پیوسته است و اصولاً منافع آتی بورژوازی که نمایندگان سیاسی آن باید پاسداری باشند در چارچوب همین نظم موجود و حفظ همین نظم موجود مستتر است. این عامل به علاوه سایر عواملی که قبلا ذکر شد آن زمینه‌ای است که نیروهای سیاسی بورژوازی را بر طبقه‌شان منطبق تر می‌سازد. برعکس مثلا در مورد پرولتاریا از آنجا که رابطه بین منافع آتی و آنسی از جنبه‌های مناسبتی و بلاواسطه‌گی برخوردار نیست و اصولا منافع آتی پرولتاریا در گرو برانداختن نظم براساسه جاری است، به نسبت نمایندگی سیاسی از پیچیدگی بیشتری می‌بخشد و تحت مجموعه شرایط اجتماعی که به آن اشاره شد استقلال نسبی نمایندگی سیاسی پرولتاریا را افزایش می‌دهد.

تداوم بحران انقلابی و تشدید مبارزه طبقاتی - پس از سال ۵۷ - هر چند طبقات و گروه‌های سیاسی طبقاتی را مستغنی‌تر می‌کند

و دیگرگونی کرد، لیکن تغییر و تحولات در نیروهای سیاسی و گروه‌های سیاسی به مراتب از حدت و شدت بیشتری برخوردار بوده است. طی این دوران طبقاتی بسیاری از عوامل که در آغاز جنبش جنبش‌خیزانه‌ای به نمایندگی سیاسی استقلال نسبی بالایی می‌داد و تا هنگامی که حتی تا همفراوانی با گروه‌های سیاسی سیاسی می‌شد، تغییر یافت و به صورت گردید و با بستن درک تئوری طبقاتی مدت در امواج پرغوش‌خیزانه‌ها محسوس و تا بود که مبارزه حاد طبقاتی اختراست دیکتاتوری را زایل ساخت. احزاب و گروه‌ها - در ایام گوناگون - به فاصله کوتاهی جو جامعه را تغییر کردند، اما تعداد نیروهای سیاسی که گویا چهران حافظ را می‌گردند خود به صورت کاملی درآمد که در ابتدای این دوره همراه با اثرات جنبش "موم خلقی" تا هنگامی و تا خوانا نشی گروه‌های سیاسی را خادمتی می‌سازد و به طیفه مبارزه طبقاتی همانگونه که طبقات را در جایگاه‌های خود مستغنی می‌ساخت، نیروهای سیاسی را بیشتر به تغییر و تحول می‌گذاشت. دوران فروپاشی "وحدت موم خلقی" با اشکالات متعدد در نیروهای سیاسی و تغییرات بی‌درستی در گروه‌های سیاسی توأم بود. در طبقات این لامل و اشکالات بازتابی بود از شکست شدن نامرئی‌ها و تا خوانا نشی نیروهای سیاسی در جهت انطباق با طبقاتی که واقعا نمایندگی‌شان را بر عهده داشتند و در جهت کاهش استقلال نسبی نیروهای سیاسی و در جهت تجدید گروه‌های سیاسی سیاسی اساسی شکست طبقاتی.

سالیته نیروهای سیاسی و گروه‌های سیاسی در مقایسه با پارتیزانی نسبی طبقات و اقشار اجتماعی - همانگونه که تجربه چندین سال گذشته نشان داده است - لزوم بازنگری مداوم و مکرر به گروه‌های سیاسی جهت اتخاذ تاکتیکها و مخالفت انقلابی در جنبش‌خیزانه‌ای را طلب می‌کند. اساسا گروه‌های سیاسی طبقاتی در یک دوره کامل از تحولات اجتماعی با برچا و بسا تقریبا با برچا می‌مانند. تنها بسا تحولات عمیق اجتماعی، طبقات و نقش و رسالت اجتماعی شان و نمایندگی‌های طبقات در انقلاب بطور جدی دیگرگون می‌کند. حال آنکه این شیوه تکرار نسبت به گروه‌های سیاسی سابق نیست. احزاب، سازمانها

و گروه‌های سیاسی در یک دوره مشخص می‌شود. هنوز بطور قطعی بر جایگاه‌های طبقاتی مشخص است. استقرار یافته‌اند و بسا در مورد نیروهای سیاسی پرولتاریا که بنا به ضوابطی در معرض نفوذ گسترده و بالفعل آید. تکنولوژی بورژوازی قرار دارد، بی‌آنکه نقش و رسالت طبقاتی نمایندگی‌شان می‌کند و بسا می‌خواهند نمایندگی‌شان کنند تغییر یافته باشد. خود مشخص تغییر می‌کند. چه بسا این قبیل نیروهای سیاسی که مدافع منافع یک طبقه و یا قشری خاص بوده‌اند و با گرایش به چنین مدعی داشته‌اند، طی یک پروسه تحولی از آن طبقه و یا قشری تبدیل شده‌اند. مدافعین طبقه و یا قشری تبدیل شده‌اند. طی این دوره بورژوازی که خود را مدافع موم خلق و حتی در بسیاری از موارد نماینده سیاسی پرولتاریا می‌خواندند، از تغییر و تحولات سیاسی ریلاتی برخوردار بودند. جنبش انقلابی خود را به دست آمده بود و بسا پایه مبارزه طبقاتی و جنبش موم خلقی تمسک می‌یافت، بسبب گردیدگی بسیاری دوره‌ای، سازمانها و احزاب مشخص و گوناگونی پدیدار کردند. در حقیقت به طاعت نهادی نبودن مبارزه حزبی در ایران حتی سازمانها و احزاب مختلف بورژوازی نیز پایه برعهده نهادند (جنبش رادیکال، خلق مسلمان، جانا و...)، اما در واقع جنبش "موم خلقی" متفاه تولید و باز تولید بیشترین نیروهای سیاسی بود که به علت شرایط انقلابی جامعه و "جاذبه‌های مارکسیسم - لنینیسم" بخش اعظمی از آنها خود را در زمره جنبش کمونیستی می‌خواندند. انبوه نیروهای سیاسی که بازتابی از یک دوره خاص از مبارزه طبقاتی سیاسی از برالتادن دیکتاتوری لحام گسیخت بود، خود بدنبال تمسک مبارزه طبقاتی از گسترش کمی باز ایستاد و تحول به سمت انطباق با طبقه‌ای خاص آغاز گردید. دوره استحکام نیروهای سیاسی بر مبنای مشخصی طبقاتی، با محور بسیاری از آنها و بسا انشعاب و تجزیه در دیگر نیروها توأم بود. پروسه وحدت و تجزیه در جنبش "کمونیستی" - پس از لحام بهمین سبب - و جهت گیریهای متفاوت بعدی هر یک از آنها. نمونه‌ای از این پروسه تحولی بوده است. طبع در طبع ۵۷

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

کمیته کارخانه و ...

سازماندهی کارگران در کمیته‌های کارخانه آغاز کرد. کمیته‌های کارخانه، کارگاههای رزمنده و بیگارجوی پرولتری هستند که باید در هر کارخانه و هر رشته تولیدی ایجاد گردند. ... اهمیت ایجاد کمیته‌های کارخانه در شرایط کنونی ما بدان حسنه است که به یک معنا میخوان گفت که مسا از طریق پیشقدمی در امر ایجاد کمیته‌ها و خلقی که در آنها ایجاد خواهیم نمود قادریم بلکه زنجیر کلیه عوامل و رویدادها را در مرصه تحولات سیاسی عمومی و جنبش کارگری در دست داشته باشیم. (نشریه کار شماره ۱۶۸، مهرماه ۱۳۶۲) و یکبار دیگر در مقاله‌ای تحت عنوان "اگر کمیته‌ها راه کارگر" که به انشای می‌گردد، اکونومیستی راه کارگر و مواضعی اپورتونیستی او را جمله اهدافی برای ضرورت و اهمیت کمیته‌های کارخانه فاش کرده‌ام و گفتیم: "سازمان ما باید بر نظر گرفتن مجموعه وضعیت عینی جامعه ایران، کمیته‌های کارخانه را که دربر گرفته‌اند کلیه کارگزاران است که خواهان مبارزه علیه رژیم است، به مثابه مناسبترین شکل کارگران در شرایط کنونی وضعیت خود قرار داده است. این کمیته‌ها باید در مبارزه روزمره شده‌های کارگر شرکت فعال داشته باشند و بصورت ارگانهای مورد اعتماد شده کارگر در آیند. این کمیته‌ها میخوانند و باید در آینده همه تشکلهای حقیقتاً خودهای کارگری تبدیل شوند. اگر روند عمومی اوضاع همچنان در جهت تشدید بحران پیش رود، این کمیته‌ها به مثابه ارگانهای اعتراض و پیام خلقی انقلابی خود را ایفا خواهند نمود و چنانچه تغییر اوضاع سیاسی جامعه در جهت تثبیت رژیم و رکود جنبش پیش رود، در آن صورت کمیته‌های خودهای کارگری از بنیان همین کمیته‌ها فرا خواهند روئیستند" (اکنونیسم راه کارگر - کار شماره ۱۸۷ - بهمن ماه ۶۲)

پس کمیته کارخانه آن شکل غیر موقتی کارگریست که با توجه به اوضاع سیاسی جامعه، چشم انداز تحولات آینده و سطح

کنونی جنبش کارگری، شکل مناسبی است که قادر است مبارزه اقتصادی و سیاسی کارگران را سازماندهی کند. کمیته کارخانه باید تمام کارگزاران را که طبق رژیم مبارزه میکنند، بر نظر از معضلات سیاسی و مذهبی و با وابستگی سیاسی سازمانی شان دربرگیرد.

کمیته کارخانه از آنجا که هم بستگی ارگان معرفی شده کارگر و هم یک ارگان فعالی آن محسوب می‌گردد، از آنجا که اصطلاح پذیرد بسیار زیاد بر فرود است هم میخواند برای خواستهای اقتصادی طبقه کارگر مبارزه کند، و هم خواستهای سیاسی، به مثابه اینکه سطح جنبش کارگری و مطالبات آن در هر چه حد باشد میخواند و مطالبات مختلفی را در برابر خود قرار دهد و بارقه جنبش و مطالبات خود را در هر دو راه خود، اگر امروز کارگزاران برای افزایش سطح مبارزه، کارهای سازماندهی جنبه‌های از اهرام، این اقدامات گسترده مبارزه میکنند. کمیته کارخانه میخواند مبارزه کارگران را در این زمینه سازماندهی کند، و مشکل مبارزه، اگر کارگران طبقه فاقون کار، ارضای اجتماعی انقلابی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مبارزه بر خیزد، کمیته کارخانه، مبارزه کارگران را در این زمینه نیز سازماندهی و مشکل مبارزه، اگر رفته جنبش‌های مرحله‌ای رسیده، که وظیفه کنترل تولید در دستور کار قرار گرفت، کمیته کارخانه، این وظیفه را نیز بر عهده دار می‌گردد. بنابراین اصطلاح پذیرد کمیته کارخانه و تحول پذیری آن صیب می‌گردد که به صیغه‌های مختلفی و مطالبات مختلفی را در برابر خود قرار دهد و با رفته و تحول جنبش و مطالبات خود را بر عهده بگیرد. همچنانکه بر دامنه انقلاب جنبش‌های رزمنده و بحران زودتر می‌نماید، کمیته کارخانه و مطالبات سیاسی میفری را بر برابر خود قرار میدهد، هنگامیکه شرایط برای برپایی یک اعتراض عمومی سیاسی فراهم کارگران فراهم است. کمیته کارخانه وظیفه کمیته اعتراض را بر عهده دار می‌نماید و هنگامیکه موقعیت انقلابی کاملاً فراهم شد، باز هم وظیفه می‌پذیری را در برابر خود قرار دهد، و در پیوسته تحول خود به شورا ارتقا باید در طیف شوراهای در ادامه می‌گردد. کمیته‌های کارخانه باید برآیند، شورا

به یک لحظه از آستان خازل خیره‌ده بلکه جنبه دگرگونی و تحول در همین تشکلهای طبقه کارگری نظیر کمیته‌های کارخانه هستند. شوراهای کارخانه‌های کارخانه و اعتراض به جنگام اعصاب عمومی سیاسی شکل خواهند گرفت. ... بنابراین میخوان گفت که کمیته‌های کارخانه هم چه در مراحل مختلف تکامل خود و مطالبات مختلفی را بر عهده بگیرد، و حتی نسبت شرایط و مطالبات صحنه اقتصادی را در پیگیری خود قرار دهد، با این وجود سایر خصوصاتی که فوقاً در کمیته‌های کارخانه ذکر کردیم بارگاههای رزمنده و بیگارجوی پرولتری هستند. که از همان آغاز شکل‌گیری خود با لایحه مطمئن نسبت به توانایی کارخانه‌ها در از قوه به شکل سازمان این قدرت منوط نیست رفته جنبش است، کمیته کارخانه که در آغاز تمام کارگران را در یک کارخانه و مؤسسه تولیدی مشکل مبارزه، با رفته و تحول جنبش‌های نیمه پرولتری بر عهده می‌گیرد و تحول آن به شورا با لایحه قدرت می‌گردد و در برابر کشور در پی می‌خواند. اما این فقط یک جنبه از تحول پذیری کمیته‌های کارخانه است جنبه‌های دیگر مطمئن رفته بحران انقلابی و انقلابی شدن روز افزون شرایط است. اما اگر جهت‌فرایبی معادماً داشته باشند جنبش‌های رزمنده، از ایجاد بحرانها گامی نه، و دوران رکود سیاسی حاکم گردید، باز هم کمیته‌های کارخانه‌ای که در دوران انقلابی در کارخانه و مؤسسه واحد تولیدی ایجاد شده‌اند و زمین آنها ارضیات برقرار گشته است به سندیگما تبدیل می‌گردد و سندیگما میخواند از درون همین کمیته‌ها فرا روند. در طیف کمیته‌ها نطنه‌های سندیگما نیز محسوب می‌نماید. این هر دو حالت در همین حال که تحول پذیری کمیته‌های کارخانه را نشان میدهد، در همین حال طیف انقلابی و کارگران آنها را نیز نشان میدهد. کمیته کارخانه و سندیگما باید در جهت سندیگما و سیر تحولی خود به شکل سندیگما همچون شورا، باز جهت دیگر سندیگما تحول خواهد یافت.

بنابراین امروز وظیفه تشکیلی کمیته‌های کارخانه بصورت امری عاجل و فوری بر دستور کار قرار می‌گیرد. بنده در صفحه ۹۵

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

مجا همدین خلق پیوند خود را ...

همکاری با بورژوازی بین المللی و کلیه مترجمین جهانی را از جنب حمایت احزاب سیاسی، شخصیتها و پارلمانهای اروپایی و آمریکائی آغاز نمودند، تا با جلب حمایت دولتهای امپریالیست و دولتهای مترجع کشورهای تحت سلطه و وابسته به فرجام برسانند.

آنها به منظور جلب حمایت و پشتیبانی دولتهای امپریالیست و بورژوازی نهماری بین المللی می بایستی گامهای همه جانبه ای به قیقا بردارند. تنها قول شرف دادن و سوگند یاد کردن آنها به دفاع از نظام سرمایه داری "سرمایه داری و بازار ملی" "احترام به سرمایه گذاری" و "مقتضی شدن مالکیت شخصی و خصوصی" کافی نیست، تنها دفاع آشکار از منافع بسوزوازی و ارگانها و نهادهای ماشین سرکوب و شکنجی آن همچون ارتش و بوروکراسی و ششسی پی برده و مرغان با سازمانهای انقلابی

ارزیابی از وضعیت ...

تفسیر موضع مجاهدین طی یک پروسه تحولی نمونه دیگری از این تغییرات به حساب می آید. بطور کلی، طی یک پروسه تحولی پس از قیام، تجدید گروه بندی در نیروهای سیاسی بورژوازی، تجزیه مداوم نیروهای سیاسی افشارستانی و تشویق و بالایش مداوم در نمایندگان سیاسی پرولتاریا در صحنه نیروهای سیاسی تغییراتی را در پی داشته است.

اکنون می توان گفت که طی یک دوران پرفراز و نشیب پس از سال ۵۷ نیروهای سیاسی بیش از هر زمان دیگری به جایگاههای واقعی خود رانده شده اند و با سمت این جایگاهها سمت گیری قطعی کرده اند. می توان گفت که یک دوره مشخص از مبارزه طبقاتی تقریباً سپری شده است. مشخصه اساسی مبارزه طبقاتی در این دوره تغییر و تحولات الزامی در انطباق واقعی (هر چند نسبی) نیروهای سیاسی بر طبقات و انقار اجتماع و انطباق هر چه بیشتر گروه بندی های سیاسی بر گروه بندی های طبقاتی بوده است. اکنون دیگر نیروهای سیاسی بر اساس مجموعه ای از خط مشی، برنامه و تاکتیکهای خود به گروه بندی های سیاسی مراحات بیشتری بخشیده اند. اکنون با توجه به تغییر و تحولاتی که در موضع طبقاتی نیروهای سیاسی صورت گرفته

و کمونیست کافی نبود. آنها می بایستی در همه عرصه ها وفاداری و سرسپردگی شان را به بورژوازی و کلیه مترجمین بین المللی اثبات کنند.

تقویت پیوندها و مستحکم کردن مناسبات برادرانه و خالمانه با ارتجاع منطقه، از جمله شاه اردن نیز جزء دیگری از این سیاست برای نشان دادن ایران وفاداری به امپریالیسم و ارتجاع جهانی بود. شاه اردن یکی از رسواترین و سرسپرده ترین کارگزاران و نوکران حلقه بگوش امپریالیسم آمریکا در منطقه است و تنها فقط دشمن سوگند خورده توده های مردم اردن بلکه کل منطقه است که تنها یک نمونه از جنایات بیشمار آن کشتار روزندگان فلسطین در سبتمبر سیاه می باشد. مجاهدین خلق اکنون مرحله ای از رشد و تکامل درونی خود رسیده اند که پیوند خود را با رژیم اردن مستحکم کنند، و انفجار ملاقات با شاه اردن را بدست آورند.

سازمان مجاهدین خلق که اینک تمام

است فروری است که گروه بندی های سیاسی را بطور مشخص مورد ارزیابی قرار دهیم. بدین منظور گروه بندی های سیاسی رانده بر اساس آنچه که نیروهای سیاسی خود درباره خویش می گویند و بر اساس اسم و رسم و تابلو هنرنوی، بلکه بر اساس مجموعه بهم پیوسته ای از خط مشی برنامه و تاکتیکهای هر نیرو بنا می کنیم.

ادامه دارد
* * *

کمیته کارخانه و ...

دارد و باید در همه جا فرورتابد کمیته های کارخانه را به منظور پیشبرد مبارزه متحد و متشکل پرولتاریا در میان کارگران تبلیغ کرد و گامهای عملی در جهت ایجاد این کمیته ها برداشت. بایست ضمن تسلط بر کلیه اشکال مبارزاتی و سازمانی و اسلوبهای درست استفاده از آنها، به کمیته های کارخانه توجهی خاص مبذول داشت، اما هر چند که نحوه شکل گیری کمیته های کارخانه وابسته به شرایط مشخص است، اما در لحظه کنونی که رژیم جمهوری اسلامی با توسل به دیکتاتوری مرغان و همان کمیته میگویند هر شکل کارگری را در نقطه خفه کند.

امیدش را برای کسب قدرت به حمایت و پشتیبانی بورژوازی و لطف و مرحمت امپریالیسم بسته است، اکنون می بایست پیوندهای خود را با ارتجاع منطقه بنحو همه جانبه ای تقویت کنند و از حمایت و پشتیبانی ارتجاع منطقه نیز برخوردار باشد تا از یکسو مبنای مستحکم تری برای دست یابی به قدرت ایجاد کند و از نسوی دیگر حمایت امپریالیستها بویسته امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر بدست آورد. ملاقات مسعود رجوی با شاه اردن در خدمت چنین هدفی است.

اگر سال ۶۰ نقطه عطف توفیق در تحول سیاست داخلی مجاهدین محسوب می شد، ملاقات اخیر مسعود رجوی با شاه اردن پروسه تحولی را بنحوا میرساند. اکنون دیگر سیاست داخلی و خارجی مجاهدین خلق کاملاً بر یکدیگر منطبق گشته اند، و اجزاء تکمیل کننده یکدیگر در خدمت دفاع از منافع بورژوازی و نظم ارتجاعی بوروکراتیک موجود می باشند.

* * *

کمیته کارخانه باید مطلقاً باشد. از اینرو در مراحل اولیه شکل گیری خود و در لحظه کنونی نمیتواند، همه کارگران را در بر گیرد، بلکه در آغاز با ایتکبار عناصر پیشرو کارگری شکل میگیرد که با شرکت فعال در مبارزه کارگران، سازمان دادن به مبارزه آنها و رهنمودهای عملی میگویند اعتماد و حمایت شود کارگران را به سوی خود جلب کند و طی یک روند به ارگانهای فراگیر توده ای تبدیل شود

خلاصه کنیم: امروز با توجه به مجموعه شرایط سیاسی حاکم بر ایران، سطح مبارزات و کیفیت جنبش کارگری سازماندهی کمیته های کارخانه و سازمان بخشیدن به مبارزات کارگران از طریق این کمیته ها امری حیاتی و مبرم است.

مبارزه میان دو خط مشی در جنبش کارگری همانگونه که در تمام عرصه ها تقابل خود را آشکارا بروز داده است، در زمینه تشکل های غیر حزبی نیز غمورا نشان داده است.

امثال راه کارگر، حزب توده و اکثریت که از رفرم به جای انقلاب دفاع میکنند با طرح شعار اتحادیه بمثابه بدستل درخواستهای انقلابی و محدود کردن مبارزه طبقه کارگر به دایره مناسبات موجود نشان میدهند که در این عرصه نیز مدافع خط اپورتونیستی - رفرمیستی در جنبشاند



گرامی بادیادفدائی شهید رفیق منصور اسکندری

ادامه داد و درجهت تدارک تسلیحات برای گروه نقش فعالی برعهده گرفت. دردی ماه سال ۱۳۵۲ توسط دژخیمان ساواک دستگیر و با تحمل شکنجه‌های قرون وسطایی به ۷ سال زندان محکوم شد.

زندان برای رفیق عرصه دیگری آزمبارزه بود. برای کمونیستی که با آگاهی، راه پرولتاریا را برمیگزیند، هر لحظه از زندگی فرصتی است که باید آنرا بکنسار گرفت. اگر چه این فرصت زسرترازیانه دژخیمان بسیار اندک باشد. چنین بود که هم بداندیش او را منبع انرژی و تلاش خستگی ناپذیر یافتند. او علاوه بر آنکه فعالانه درجهت مداوای زندانیان که در شرایط اسفبار زندانهای شاه با امراض مختلف روبرو بودند، می‌کوشید، نقش مهمی در سازماندهی نیروهای هوادار سازمان و آموزش آنها برعهده گرفت. رفیق اسکندری در تمام اعتراضات و سازماندهی حرکات اعتراضی درون زندان نقش فعالی داشت.

سال ۱۳۵۷ امواج توفنده انقلاب درهای زندانها را گشود و رفیق نیز با خلاصی از زندان عرصه وسیعتری را برای ادامه مبارزه دنبال کرد. پس از رهائشی از زندان رفیق بلافاصله فعالیت خود را در ارتباط ارگانیک با سازمان ادامه داد. در نخستین روزهای پس از قیام در انتشار نشریه "کار" نقش مهمی ایفا نمود و توأم با فعالیت در بخش کارگری سازمان، مقالاتی پیرامون جنبش کارگری نگاشت و نیز مسئولیت بخش گزارشات و اخبار نشریه کار را برعهده داشت. در این دوره رفیق بر روی ایده‌هایی صحنه میگذاشت که بعدها در پراشیک صحت آن به اثبات رسید از جمله اینکه او بر ضرورت انتشار "کار" به عنوان یک نشریه سراسری و سازماندهی پای می‌نشد و در مقابل اکونومیستهای دیروز و خاشن اپورتونیست امروز (موسوم به اکثریت) که پیوسته سرگرم خرده کاری خود بودند و اما میگردند که انتشار نشریه در حد و توان مانیست‌پستادگی کرد. در اکثر بحثهای نظری آن دوران که عرصه نبرد سختی بین گرایش پرولتاری و گرایش بورژوازی بود، موضع رفیق منصور

همواره صریح، قاطع، روشن و بدون ابهام بود. تعمیق مبارزه طبقاتی در سازمان نیز انعکاس یافته بود. خرده اختلافات کوچک روز بروز بزرگتر می‌شدند، اقلیت و اکثریت شکل می‌گرفتند رفیق مهران جزو اولین رفقای بود که هسته اولیه رفقای اقلیت را تشکیل دادند.

پس از انشعاب رفیق به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و مدتی علاوه بر عضویت در تحریریه کار، مسئولیت کمیته کارگری سازمان را نیز عهده دار بود. رفیق بنا شوری بی‌پایان به سازماندهی رفقای پیروان که تشکیلات اپورتونیستی را در هم شکسته و می‌خواستند تشکیلاتی نوین را بنیان دهند، سازمان در شرایط بی‌برنامگی حاکم بر جنبش کمونیستی و روی آوری روز افزون شده هواداران بسوی یگانه سازمان پرولتاری و وظایف بس شتری را به عهده گرفته بود. مباحث اپورتونیسم در جلوه‌های مختلف آن در جنبش کمونیستی افشاء و طرد می‌شد. می‌بایست تشکیلاتی آهسته ایجاد میگردید. می‌بایست خط و برنامه تدوین می‌شد و دهها وظیفه خطیر دیگر. رفیق منصور دوش بدوش سایر رفقای کمیته مرکزی چون رفیق هادی، نظام، محسن و دیگران بار اصلی پیشبرد این وظایف سنگین را به عهده داشتند. آنچه بیش از همه رفیق را رنج میداد، فقدان سیاست تشکیلاتی معین بود که خود را بصورت لیبرالیسم عنان گسیخته نشان میداد. در چنین شرایطی رفیق سلسله مقالاتی تحت عنوان "دمکراسی بدوی را نوشت که در "کار" درج گردید همچنین مجموعه مقالات دیگری بنام "سازمانهای دمکراتیک نوده‌ای" را برشته تحریر در آورد.

در اوائل سال ۶۰ با اوج گیری جنبش توده‌ای رفیق منصور مسئولیت کمیته اهلته تهران را به عهده گرفت و تمام همش را برای بزرگاری نخستین کنگره سازمان بکار برد اما یک هفته قبل از برگزاری کنگره به اسارت دژخیمان جمهوری اسلامی در آمد.

رژیم با شناختی که از رفیق داشت و نیز با اطلاع از موقعیت تشکیلاتی وی تمام نیروی خود را بکار گرفت تا شاید او را به تسلیم وادارد. اما هرچه بیشتر آلات و ادوات شکنجه‌های وحشیانه‌اش را بکار گرفت بیشتر معلوم شد که این فرزند پشاک

پرولتاریا هرگز اسرار سازمانش را برای دژخیمان پلید سرمایه فاش نخواهد ساخت. بدین ترتیب رفیق در زندان مسلسل ایستادگی و مقاومت کمونیستها در برابر مرتجعین گردید. مقاومت و حماسه آفرینی رفیق اسکندری در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در میان زندانیان زبانزد همگان است. او تا آخرین لحظه زندگی اش به آرمان طبقه کارگر و سازمان مدافع آن وفادار ماند.

رفیق منصور (مهران) علاوه بر مقالات متعددی که در نشریه "کار" نوشته است در تدوین نوشته‌های تعلیمی و تئوریک سازمان فعالانه شرکت داشت و بخش از نبرد خلق تحت عنوان سیاستهای اقتصادی ارگان سازمان را تدوین نمود. آخرین نوشته رفیق که بصورت نیمه کاره باقی ماند و خطوط کلی آنرا سازمان به چاپ رسانده جزوه "مساله ارضی، جنبش دهقانان و سیاست" بود.

یادش گرامی و راجش بر رهرو باد.

جاودان یاد خاطره شهیدای آبانماه سازمان

مسعود شوقیان
هادی اشکانی

و رفیق منصور اسکندری
عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران گرامی بساد



زندانی سیاسی آزاد باید گردد

گرامی باد

یاد فدائی شهید ★

رفیق منصور اسکندری



در یکی از روزهای آبان ماه سال ۲۲ هجری که دژ غیمان بورژوازی نام رفیق منصور اسکندری تربقانی را از بلندقوهای بنسند اعلام کردند. زندانیان با سکوتی پرمعنی به یکدیگر نگرستند. چه، میدانستند این فراخوانی برای شیرباران یک رفیق فدائی است. جلادان بار دیگر، کمونیستی را به مرگ محکوم کرده اند تا شاید بر سبب محکومیت مرگ تاریخی نظم ارتجاعی خود برده ساتری افکنند، تا شاید صدای زنگار گلوله ها نفس را در سینه ها حبس کنند و آنگاه بورژوازی همچون کرکان، بر خونهای ریخته شده پورش آورد و شادمانه نمره سرده که روزی دیگر را بر سر تنگین خود افزوده است. رفیق منصور محکم و استوار از جا برمیخیزد با یک سبک زندانیان هم بند روبوسی میکند و با گامهای استوار و با ایمان به پیروزی کمونیسم روسی میدان شیرباران میشتابد. راستی چه پرشکوه است آرمان پرولتاریا و چه زیباترین مرگی که خود را گشای فدائی تو میگردد. لحظاتی بعد صدای زنگار، فضای اوین را میخراشد. گنجشگان سراسیمه از درختان پرواز میکنند. ابرها در آسمان گرفته بندگی در حرکتند. زندانیان با تپشی زشت سر چهره گریه شان، می گویند هراسشان را از کمونیسم بیوشانند و کمونیستها سرفراز از اینکه آزمونی دیگر را با موفقیت سپری کرده اند.

چنین بود که سازمان رفیق دکتر منصور

اسکندری (مهران) عضو کمیته مرکزی خود را از دست داد.

رفیق دکتر منصور اسکندری سال ۱۳۲۹ در کاشمر بدنیا آمد. او در خانواده ای متوسط زندگی میکرد که قطعه ای زمین دره تربقانی داشتند و خود بر روی آن کار میکردند. رفیق منصور از همان بدو گونگی کار و درس را توأمان بکار گرفت. شرایط زندگی او را با فقر و ستم روستاییان آشنا ساخت. از سوی دیگر کار کردن در وی غلبت سخت کوشی را پرورش میداد. رفیق برای تحصیل دوره دبیرستان خانواده را ترک کرد و راهی مشهد گردید. پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. روحیه مبارزه جویانه او پیش از پیش او را بسوی مبارزه ای جدی تر و آگاهانه تر علیه نظام سرمایه داری سوق داد. رفیق مهران فعالیت در فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشگاه شرکت داشت.

با آغاز مبارزه مسلحانه در سال ۲۹ و اعلام موجودیت سازمان، رفیق اسکندری سوییچ مشی سازمان روی آورد و در ارتباط با یکی از رفقای سازمان قرار گرفت. در سال ۵۱ ارتباط او با سازمان قطع گردید اما فعالیت خود را با یک گروه هواداران سازمان

بقیه در صفحه ۲۱

جاودان باد خاطره

شهادت آبانماه سازمان

تاریخ مبارزه جنبش نوین کمونیستی ایران سراسر آکنده از فداکاری و از خود گذشتگی رفقای فدائی دلیری است که با ایمان غلغلناپذیر به کمونیسم و رهائی بشریت شتمیده از یوغ سرمایه، دلیرانه قدم کردند و با عزم پولادین و بذل جان خویش در برابر شکنجه و شهرباران رژیمهای شاه و جمهوری اسلامی ایران به مبارزه برخاستند.

رفقای که با آفرینش حماسه های جاودان، پرچم سرخ پر افتخار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در پیشانی کارگران و زحمتکشان مبارز در رزم سرنوشت سازان علیه سرمایه برافراشته نگاه داشته اند. آبان ماه نیز همچون ماههای دیگر سال یادآور خاطره های بی نظیر دهها رفیق فدائی است که در پیکار خویش علیه ستم و استثمار و با خطر رهائی کارگران و زحمتکشان از بندگی مزدوری با گرمی خون خویش آتش مبارزه را شعله ورتر ساخته اند.

باد رفیقان، فدائیان شهید

- محمد رضا چمنی
- سورس سپهری
- عبدالله ماهگیر
- مریم دژ آقا
- چمنید دژ آقا
- محمد شریفی
- داود شوری
- مهران محمدی
- داریوش مولوی
- رحیم خدایی
- مرتضی فخر طباطبائی
- عثمان کریمی
- علی اصغر فلاسی
- محمد چشم سبزه
- علی دبیری فرد
- هوشنگ والی زاده
- علی مللی
- مظفر قادری
- علی جدیدی
- رضا حسینی مستعان
- جهان بخش طنبائی
- نصرت رحیمی

بقیه در صفحه ۲۱

را دیوسا زمان چریکهای فدائی
خلق ایران همه روزه از ساعت
۸/۳۰ الی ۹/۱۵ شب، روی موج
کوتاه، ردیفهای ۶۵ و ۷۵ متر
تکرار هر برنامه ۱۲/۳۰ بعد از ظهر
روز بعد

پروای کتابی با
بازگشتی زیرمکاتبه کنید:
A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay-sous-Bois
France.

سازمان چریکهای فدائی خلق جمهوری اسلامی - برقرار باد چمنی - وری دمکراتیک خلق